



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

ایران توتنه

توشه ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام طراحان	نام درس
ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم تونندهجانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، امیر زراندوز، علی شهرایی، سعید عزیزخانی، فرشید کریمی	ریاضی و آمار
سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، سیدعلیرضا علویان، سجاد غلامپور سیوکی، فرهاد علی نژاد، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، سید محمد هاشمی	علوم و فنون ادبی
ریحانه امینی، آریتا بیدقی، زینب آذری، فاطمه صفری، شهریار عبدالله	جامعه‌شناسی
حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد رسایی، مهسا عفتی، فرهاد علی نژاد	روان‌شناسی
نوید امساک، ولی برجی، بهروز حیدریکی، اسماعیل علی‌پور، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، سیدمحمدعلی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز و جان	عربی زبان قرآن
زهره دامیار، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، سید علیرضا علویان، علی محمد کریمی، جواد میربلوکی	تاریخ و جغرافیا
حسین آخوندی راهنماچی، سیا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، فرهاد قاسمی نژاد، علیرضا نصیری	فلسفه

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم تونندهجانی	محمد بحیرایی	ایمان چینی‌فروشان، مهدی ملارمضانی	الیه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	یاسین مهدیان	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	فاطمه صفری	فاطمه صفری	کوثر شاه‌حسینی	زهره قموشی
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی نژاد	زهره قموشی
عربی زبان قرآن	نوید امساک	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	سیدعلیرضا علویان	سیدعلیرضا علویان	زهره دامیار	فاطمه فوقانی
فلسفه	سیا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی نژاد	زهره قموشی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهره دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۲»

(ابوالفضل بجاری)

با ساده کردن عبارت داده شده، داریم:

$$A = 56^{-\frac{4}{3}} \times \sqrt[3]{\sqrt{3}\sqrt{7}} \Rightarrow \left(\frac{1}{56}\right)^{\frac{4}{3}} \times \sqrt[3]{(\sqrt{3}\sqrt{7})^4} \Rightarrow \left(\frac{1}{56}\right)^{\frac{4}{3}} \times \sqrt[3]{7}$$

$$\Rightarrow \frac{1}{\sqrt[3]{(56)^4}} \times \sqrt[3]{7} = \frac{1}{56 \sqrt[3]{56}} \times \sqrt[3]{7} = \frac{1}{56 \times 2 \sqrt[3]{7}} \times \sqrt[3]{7} = \frac{1}{56 \times 2} = \frac{1}{112}$$

$$\left(16 + A^{-1}\right)^{\frac{1}{7}} = \left(16 + \left(\frac{1}{112}\right)^{-1}\right)^{\frac{1}{7}} = (16 + 112)^{\frac{1}{7}} = (128)^{\frac{1}{7}}$$

$$= \sqrt[7]{128} = 2$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۲- گزینه «۲»

(ممدابراهیم توزنده‌بانی)

با ساده کردن هر یک از اعداد داده شده، داریم:

$$a = 32 = 2^5$$

$$a^{0/6} = (2^5)^{1/10} = 2^3 = 8$$

$$a^{1/2} = (2^5)^{1/10} = 2^6 = 64$$

$$\sqrt[5]{a^2} = \left(a^{\frac{2}{5}}\right)^{\frac{1}{2}} = a^{\frac{1}{5}} = (2^5)^{\frac{1}{5}} = 2$$

$$\sqrt[5]{a^4} = \left(a^{\frac{4}{5}}\right)^{\frac{1}{2}} = a^{\frac{2}{5}} = (2^5)^{\frac{2}{5}} = 4$$

$$\sqrt[5]{a^6} = \left(a^{\frac{6}{5}}\right)^{\frac{1}{2}} = a^{\frac{3}{5}} = (2^5)^{\frac{3}{5}} = 8$$

$$\Rightarrow \frac{8 + 64}{2 + 4 + 8} = \frac{72}{14} = \frac{36}{7}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۳- گزینه «۲»

(امیر زراندوز)

عدد ۲۵ و عدد ۱۲۵ را تجزیه می‌کنیم، ضمناً رادیکال را به کمک فرمول

$$\sqrt[n]{a^m} = a^{\frac{m}{n}}$$

$$\sqrt[3]{5^2 \times 2^3} \times 5^6 = 5^{\frac{2}{3} + 3} = 5^{\frac{11}{3}} \Rightarrow 5^{\frac{11}{3}} \times 5^6 = 5^{11 + 6} = 5^{17}$$

$$\Rightarrow 5^{\frac{17}{3}} = 5^{\frac{17}{3}} \Rightarrow 5^{\frac{17}{3}} = 5^{\frac{17}{3}}$$

$$2x + 18x = 3x + 9 \Rightarrow 17x = 9 \Rightarrow x = \frac{9}{17}$$

$$\Rightarrow x = \frac{9}{17 \times 3} = \left(\frac{9}{17}\right)^2 = \left(\frac{3}{17}\right)^2 = \frac{9}{289}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۸۶ تا ۹۴)

۴- گزینه «۳»

(علی شهرایی)

تابع نمایی به فرم $y = A^x$ ، محور y ها را در نقطه‌ای به عرض ۱ قطع می‌کند، پس:

$$2a = 1 \Rightarrow a = \frac{1}{2}$$

با جای گذاری $a = \frac{1}{2}$ ، ضابطه به صورت $f(x) = \left(\frac{1}{2}\right)^x$ در می‌آید. نقطه

$(1, ab)$ روی این تابع است. با جای گذاری $a = \frac{1}{2}$ ، مختصات آن به صورت

$$\left(2, \frac{b}{2}\right)$$
 می‌شود. پس:

$$f(2) = \frac{b}{2} \Rightarrow \left(\frac{1}{2}\right)^2 = \frac{b}{2} \Rightarrow \frac{1}{4} = \frac{b}{2} \Rightarrow b = \frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۹۶ تا ۱۰۲)

۵- گزینه «۴»

(ممد صبیحی)

با تشکیل و سپس تقسیم هر یک از عبارت‌ها داریم:

$$\begin{cases} f(x+3) = 3^{x+3} \\ f(x-3) = 3^{x-3} \end{cases} \Rightarrow \frac{f(x+3)}{f(x-3)} = \frac{3^{x+3}}{3^{x-3}}$$

$$= 3^{x+3-x+3} = 3^6$$

$$\begin{cases} f(x+2) = 3^{x+2} \\ f(x-2) = 3^{x-2} \end{cases} \Rightarrow \frac{f(x+2)}{f(x-2)} = \frac{3^{x+2}}{3^{x-2}}$$

$$= 3^{x+2-x+2} = 3^4$$

$$\text{نسبت خواسته شده} = \frac{3^6}{3^4} = 3^{6-4} = 3^2 = 9$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۹۶ تا ۱۰۲)

۶- گزینه «۲»

(فرشید کریمی)

با جای گذاری مختصات نقطه‌های داده شده در ضابطه تابع داریم:

$$f(0) = 5 \Rightarrow 2^a(0) + b + 1 = 5 \Rightarrow 2^b = 4 \Rightarrow 2^b = 2^2 \Rightarrow b = 2$$

$$f(1) = 23 \Rightarrow 2^{1+a} + b + 1 = 23 \Rightarrow 2^{a+2} = 22 \Rightarrow 2^{a+2} = 2^5$$

$$\Rightarrow a + 2 = 5 \Rightarrow a = 3$$

$$\Rightarrow f(x) = 2^{3x+2} + 1 \Rightarrow f\left(\frac{1}{3}\right) = 2^{3\left(\frac{1}{3}\right)+2} + 1 \Rightarrow f\left(\frac{1}{3}\right) = 9$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۹۶ تا ۱۰۲)



۷- گزینه «۱»

(سعی عزیزقانی)

دو نقطه $(0, \frac{y}{x})$ و $(1, 5)$ روی نمودار هستند بنابراین مختصات آن‌ها در ضابطه تابع صدق می‌کند، بنابراین:

$$f(1) = 5 \rightarrow a(b)^0 + 2 = 5 \Rightarrow a = 3$$

$$f(0) = \frac{y}{x} \rightarrow a(b)^{-1} + 2 = \frac{y}{x} \Rightarrow a\left(\frac{1}{b}\right) = \frac{y}{x} - 2 \Rightarrow \frac{3}{b} = \frac{y}{x} - 2 \Rightarrow \frac{3}{b} = \frac{y}{x}$$

$$\Rightarrow b = 2$$

با جایگذاری مقادیر a و b ضابطه تابع f را بازنویسی کرده و $f(-1)$ را به دست می‌آوریم:

$$f(x) = 3(2)^{x-1} + 2 \Rightarrow f(-1) = 3(2)^{-2} + 2 = \frac{3}{4} + 2 = \frac{11}{4}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۹۶ تا ۱۰۲)

۸- گزینه «۲»

(مهمر عمیری)

طبق رابطه رشد نمایی جمعیت، برای دو سال متفاوت داریم:

$$f(t) = C(1+r)^t \Rightarrow \frac{f(t)}{f(t')} = \frac{C(1+r)^t}{C(1+r)^{t'}} \Rightarrow \frac{f(119)}{f(70)} = \frac{C(1+r)^{119}}{C(1+r)^{70}}$$

$$\frac{f(119) = 100}{f(70) = 25} = \frac{100}{25} = \frac{(1+r)^{119}}{(1+r)^{70}} \Rightarrow (1+r)^{49} = 4$$

$$\Rightarrow (1+r)^{119-t} = 4 \xrightarrow{r=0.02}$$

$$(1/0.2)^{119-t} = 4 \xrightarrow{(1/0.2)^{70} = 4}$$

$$\Rightarrow (1/0.2)^{119-t} = (1/0.2)^{70} \Rightarrow 119-t = 70$$

$$t = 119 - 70 = 49$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۴)

۹- گزینه «۳»

(مهمر ابراهیم توزنده‌یانی)

$$f(0) = 2 \Rightarrow 6 - 2^a(0) + b = 2 \Rightarrow 6 - 2^b = 2$$

$$\Rightarrow 2^b = 4 \Rightarrow b = 2$$

$$f(1) = -2 \Rightarrow 6 - 2^a(1) + 2 = -2 \Rightarrow 8 = 2^a(1) + 2 \Rightarrow a = 1$$

$$f(-5) = 6 - 2^{-5}(1) + 2 = 6 - 2^{-3} = 6 - \frac{1}{8}$$

$$\frac{47}{8} = 5.875 \Rightarrow [5.875] = 5$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۹۶ تا ۱۰۲)

۱۰- گزینه «۳»

(مهمر عمیری)

با توجه به رابطه زوال نمایی داریم:

$$f(t) = C(1-r)^t \xrightarrow{r=0.03, t=20}$$

$$f(20) = C(1-0.03)^{20} = C(0.97)^{20} = C(0.97^{10})^2$$

$$\frac{(0.97^{10})^2 = 0.7}{f(20) = C(0.97)^2} = 0.49C$$

$$= 0.5C = \frac{1}{2}C$$

تعداد دانشجویان تقریباً نصف می‌شوند.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۴)

ریاضی و آمار (۲)

۱۱- گزینه «۲»

(مهمر عمیری)

طبق هم‌ارزی زیر داریم:

$$p \wedge (q \vee s) \equiv (p \wedge q) \vee (p \wedge s)$$

$$\Rightarrow (p \wedge r) \vee (p \wedge \sim r) \equiv p \wedge (r \vee \sim r) \equiv p \wedge T$$

همواره

$$\equiv F \wedge T \equiv F$$

پس گزاره داده شده هم‌ارز با گزاره p است.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استلال ریاضی، صفحه‌های ۱ تا ۱۱)

۱۲- گزینه «۲»

(مهمر عمیری)

الف) جمع $\sqrt{6}$ با $\sqrt{2}$ به صورت $\sqrt{6+2}$ نادرست است.

ج) (-3) ها را نمی‌توانیم از صورت و مخرج کسر ساده کنیم، چون بین

-3 و x در صورت کسر، علامت جمع وجود دارد.

د) فرجه رادیکال زوج است، پس باید این‌طور بنویسیم: $\sqrt{x^2} = |x|$

ه) اگر طرفین نامعادله در عدد منفی ضرب شود، جهت نامعادله عوض می‌شود. بنابراین این عبارت همواره صحیح نیست.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استلال ریاضی، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷)

۱۳- گزینه «۲»

(ابوالفضل بهاری)

f تابعی ثابت و g تابعی همانی است، یعنی $f(x) = k$ و $g(x) = x$.

پس داریم:

$$(2f(4))^2 = -10f(3) + 9g(8) \Rightarrow 2k^2 = -10k + 72$$

$$\Rightarrow (2k^2 + 10k - 72 = 0) \xrightarrow{+2}$$

$$k^2 + 5k - 36 = 0 \Rightarrow (k+9)(k-4) = 0 \Rightarrow \begin{cases} k = -9 \\ k = 4 \end{cases}$$



(امیر زراندوز)

۱۶- گزینه «۴»

می دانیم اگر درآمد اعضای جامعه، k برابر شود خط فقر به کمک میانه و میانگین هم k برابر می شوند. الان گفته شده، درآمد افراد ۲۰۰ درصد افزایش یافته یعنی درآمد آن‌ها ۳ برابر شده لذا خط فقر هم ۳ برابر می شود.

(ریاضی و آمار، (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

(فرشید کریمی)

۱۷- گزینه «۴»

هزینه‌ها در سال مورد نظر = شاخص بهای دو کالا $\times ۱۰۰$
هزینه‌ها در سال پایه

$$۱۶۰ = \frac{(۱۵ \times ۴۰۰) + (۲۰ \times x)}{(۱۵ \times ۱۵۰) + (۲۰ \times ۴۵۰)} \times ۱۰۰ \Rightarrow \frac{۱۶۰}{۱۰۰} = \frac{۶۰۰۰ + ۲۰x}{۲۲۵۰ + ۹۰۰۰}$$

$$\Rightarrow \frac{۱۶۰}{۱۰۰} = \frac{۶۰۰۰ + ۲۰x}{۱۱۲۵۰}$$

$$\Rightarrow ۱۸۰۰۰۰۰ = ۶۰۰۰۰۰ + ۲۰۰۰x \Rightarrow ۱۸۰۰۰۰۰ - ۶۰۰۰۰۰ = ۲۰۰۰x$$

$$\Rightarrow ۱۲۰۰۰۰۰ = ۲۰۰۰x \Rightarrow x = ۶۰۰$$

(ریاضی و آمار، (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

(امیر زراندوز)

۱۸- گزینه «۲»

می دانیم افراد زیر ۱۶ سال غیرفعال و باید از جمعیت فعال جامعه، حذف کنیم؛ لذا:

جمعیت غیرفعال - تعداد کل اعضای جامعه = جمعیت فعال

$$= ۱۰۰,۰۰۰ - ۲۰۰,۰۰۰ = ۸۰,۰۰۰$$

$$\text{تعداد بیکاران} \times ۱۰۰ = \frac{۳۰۰۰ + ۴۰۰۰}{۸۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری}$$

$$= \frac{۷۰۰۰}{۸۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۸ / ۷۵$$

(ریاضی و آمار، (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

(معمربراهیم توزنده‌پانی)

۱۹- گزینه «۲»

ابتدا به کمک نرخ تورم شاخص زمین در سال ۹۷ را به دست می آوریم، با فرض اینکه شاخص زمین در سال ۹۷ برابر x باشد داریم:

$$۲۰۰ = \frac{x - ۲۱۰}{۲۱۰} \times ۱۰۰ \Rightarrow ۴۲۰ = x - ۲۱۰ \Rightarrow x = ۶۳۰$$

حال به کمک تناسب داریم:

$$\frac{۲۱۰}{۶۳۰} = \frac{۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰}{?} \Rightarrow ۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰$$

(ریاضی و آمار، (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۱)

$$f(1)^2 + 13f\left(\frac{1}{f}\right) = -6g(6) \Rightarrow k^2 + 13k = -36$$

$$\Rightarrow k^2 + 13k + 36 = 0$$

$$\Rightarrow (k+9)(k+4) = 0 \Rightarrow \begin{cases} k = -9 \\ k = -4 \end{cases}$$

$k = -9$ در هر دو مشترک است، پس مقدار قابل قبول برای k برابر -9

است. حال حاصل عبارت $\frac{1}{3}f(-4) + \frac{5g(9)}{f(1)}$ را به دست می آوریم:

$$\frac{1}{3}f(-4) + \frac{5g(9)}{f(1)} = \frac{1}{3} \times (-9) + \frac{5 \times 9}{-9} = -3 - 5 = -8$$

(ریاضی و آمار، (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۵ تا ۳۳)

(آروین حسینی)

۱۴- گزینه «۲»

$$| \square | = \begin{cases} \square, & \square \geq 0 \\ -\square, & \square < 0 \end{cases}$$

نکته:

$$-\frac{1}{3} < x < -\frac{1}{4} \Rightarrow | \frac{2x}{3} | = -2x$$

حال داریم:

$$\Rightarrow y = [4x - 2x] + 3x = [2x] + 3x$$

$$-\frac{1}{3} < x < -\frac{1}{4} \xrightarrow{\times 2} -\frac{2}{3} < 2x < -\frac{1}{2} \Rightarrow [2x] = -1$$

از طرفی:

$$[2x] + 3x = -1 + 3x$$

بنابراین:

$$\Rightarrow ax + b = 3x - 1 \Rightarrow \begin{cases} a = 3 \\ b = -1 \end{cases}$$

حال خواسته طراح را به دست می آوریم:

$$[\sqrt{a^2 - b^2}] = [\sqrt{3^2 - (-1)^2}] = [\sqrt{8}] = [2/\sqrt{2}] = 2$$

(ریاضی و آمار، (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۴۴)

(ابوالفضل بجاری)

۱۵- گزینه «۱»

$$f(x) = \frac{\sqrt{2x+8}}{|x-5|} \Rightarrow \begin{cases} 2x+8 \geq 0 \Rightarrow 2x \geq -8 \Rightarrow x \geq -4 \\ |x-5| \neq 0 \Rightarrow x-5 \neq 0 \Rightarrow x \neq 5 \end{cases}$$

$$D_f = \{x | x \geq -4\} - \{5\} \\ D_g = \{-4, 4, -7, -2, 5\} \Rightarrow D_f \cap D_g = \{-4, 4, -2\}$$

$$D_g = (D_f \cap D_g) - \{x | f(x) = 0\} = \{-4, 4, -2\} - \{-4\} = \{4, -2\}$$

$$\frac{g(4)}{f(4)} = \frac{5}{4} = \frac{5}{|-1|}$$

$$\frac{g(-2)}{f(-2)} = \frac{3}{\sqrt{4}} = \frac{3}{2} = \frac{21}{7}$$

(ریاضی و آمار، (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۵ تا ۵۴)



۲۰- گزینه «۴»

(علی شوراچی)

اگر جمعیت افراد شاغل را A و جمعیت افراد بیکار را B بگیریم، داریم:

$$\begin{cases} A + B = 8400 \\ A - B = 7000 \end{cases} \xrightarrow{\text{جمع}} 2A = 15400 \Rightarrow A = 7700$$

$$A + B = 8400 \Rightarrow 7700 + B = 8400 \Rightarrow B = 700$$

پس:

در نتیجه:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} = \frac{700}{8400} = \frac{7}{84} = \frac{1}{12}$$

برای تبدیل به درصد، باید $\frac{1}{12}$ را در ۱۰۰ ضرب کنیم:

$$\frac{1}{12} \times 100 = \frac{25}{3} \approx 8 \frac{1}{3}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)

۲۱- گزینه «۱»

(عزیز الیاسی پور)

«شیراز» مرکز ادبی این عصر بود. بقیه موارد صحیح هستند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

۲۲- گزینه «۴»

(مجتبی فراهی)

در این دوره مدعیان عرفان به درسی کردن عرفان، شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه‌دادن مفاهیم آن پرداختند، در نتیجه، در این دوره کتاب عرفانی مهمی نوشته نشد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۶ تا ۳۹)

۲۳- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا علویان)

این گزینه، ویژگی فکری نثر (و نه شعر) ادبیات داستانی معاصر تا پیش از انقلاب بوده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۲)

۲۴- گزینه «۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

تشریح موارد نادرست:

(۱) تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه بود که در فضای فکری شعر معاصر تغییراتی به وجود آورد، نه برعکس.

(۲) در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ روشنفکران به شعر نیمایی اقبال داشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۷، ۹۹ و ۱۰۱)

۲۵- گزینه «۱»

(عزیز الیاسی پور)

تاریخ عالم‌آرای عباسی از کتب تاریخی دوره صفویه است که ذیل نثر ساده سبک هندی طبقه‌بندی می‌شود. ضمن اینکه این متن در کتاب درسی ذکر شده است، می‌توان از ویژگی‌های سبکی آن هم به پاسخ سؤال رسید. مواردی مانند تابع اضافات (ناظران مناظرم سخن‌پیرایی - پیرایه‌بندان سلسله معنی‌آرایی) یا مطابقت موصوف و صفت به تقلید از عربی (ممالک محروسه).

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۵ و ۸۷)

۲۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی)

در عبارت گزینه «۲»، از زبان گفتار و محاوره استفاده نشده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اصطلاحات عامیانه: دو قورت و نیمش هم باقیه و ...

گزینه «۳»: عبارت دارای هشت جمله کوتاه است.

گزینه «۴»: دو فعل از عبارات پایانی حذف شده است: اول اردیبهشت‌ماه

جلالی [بود] و کوس رسوایی سر دیوار مدرسه [نواخته بودند / می‌نواختند]

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، ترکیبی)

۲۷- گزینه «۴»

(عزیز الیاسی پور)

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» حاوی مضمون‌های باریک رایج در سبک هندی هستند؛ اما بیت گزینه «۴»، مدح قزل‌ارسلان توسط ظهیری فارابی است و چنان‌که می‌دانید، در سبک هندی مدح پادشاهان از جانب پادشاهان صفوی حمایت نمی‌شد و ابیاتی این‌چنینی کمتر به چشم می‌خورد.

مضمون‌های باریک در ابیات دیگر:

گزینه «۱»: برابر گرفتن سختی سنگ با مردانگی‌اش!

گزینه «۲»: نسبت دادن خجلت و شرم به وفا.

گزینه «۳»: آرزوی عاشق مبنی بر رسوا شدن نزد بار (شاعر آرزو می‌کند در کوی یار به چنگ نگهبان‌ها بیفتد).

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و مفهومی، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

۲۸- گزینه «۳»

(سیرعلیرضا احمدی)

تشبیهات بیت اول:

۱- رخ یار ماه را خیره می‌کند. (تشبیه مرجح: رخ یار مانند ماه است؛ بلکه بهتر از آن)

۲- رخ یار مهر (خورشید) را چیره می‌کند. (تشبیه مرجح: رخ یار مانند مهر است؛ بلکه بهتر از آن)

۳- رخ بهشت‌آسا (توجه شود که پسوند «آسا» ادات تشبیه است).

تشبیهات بیت دوم:

۱- لبان چون غنچه ۲- تشبیه مضمیر معشوق به مسیح (معنای بیت: [او] اگر مسیح نیست، پس چرا با لبان چو غنچه، مرده را زنده می‌کند؟! ←

منظور از این پرسش آن است که او (یار) مانند مسیح است.)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «مرده را زنده کردن» تناقض نیست و هم‌چنین بیت با توجه به اشاره غیرمستقیم به زنده کردن مردگان توسط عیسی مسیح (ع)، تلمیح دارد.

گزینه ۲: «خیره شدن ماه» و «چیره شدن مهر» تشخیص و استعاره دارد و بیت دوم نیز فاقد استعاره است.

گزینه ۴: جناس در بیت نخست: «خیره» و «چیره» و اغراق در بیت دوم: زیاده‌روی در توصیف لب که می‌تواند مرده را زنده کند!

(علوم و فنون ادبی، بیان و بديع، ترکیبی)

۲۹- گزینه ۴

(مفسر اصغری)

نوع تشبیه بیت گزینه ۴، «گسترده» است؛ اما در بیت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ تشبیهات از نوع فشرده است.

تشبیه صورت سؤال: موجه دریا (مانند) کمند وحدت است.

تشبیهات ابیات:

گزینه ۱: «گل وصل ← تشبیه فشرده

گزینه ۲: صورت حال جهان زنگی است و من آینه هستم: تشبیه فشرده

گزینه ۳: دل تخت است - می لعل - سر افسر است ← هر سه تشبیه فشرده است.

گزینه ۴: دل لاله‌صفت داغدار اوست. ← تشبیه گسترده (دل: مشبه / لاله: مشبه به / صفت: ادات تشبیه / داغدار بودن: وجه شبه)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۸ تا ۳۰)

۳۰- گزینه ۳

(هومن نمازی)

تشبیه: خیال لعل تو مانند جمشید... و نیز تشبیه لعل (استعاره از لب) به خاتم (انگشتر) / مجاز: آفاق و نگین

کنایه: «چیزی را به زیر نگین کشیدن» کنایه از مسلط شدن بر آن است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تشبیه پنهان معشوق به پادشاه / «بازار» مجاز از مردم بازار / کنایه وجود ندارد.

گزینه ۲: «سنگدل» کنایه از بی‌رحم بودن است. / «تیغ جفا» اضافه تشبیهی است. / مجاز دیده نمی‌شود.

گزینه ۴: «لوح دل» اضافه تشبیهی است. / «به باد دادن» کنایه از نابود کردن / مجاز وجود ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۱- گزینه ۱

(یاسین موریان)

بیت «الف»: استعاره مصرحه: «چشمه» استعاره مصرحه از اشک
بیت «ب»: تشبیه گسترده: مشبه: چشم - مشبه‌به: لعل (سنگی سرخ‌رنگ) -
ادات تشبیه: گفتمی (که در معنای «گویی» به کار رفته است).

بیت «ج»: تشبیه بلیغ: سرشک (اشک) چشم من، گوهر است: تشبیه بلیغ اسنادی

بیت «د»: استعاره مکنیه: در مصرع اول، این که چشم، خودش چشم داشته باشد، استعاره مکنیه است! (شاعر چشم را انسان پنداشته است که چشم دارد).

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۲- گزینه ۲

(سپهر غلام‌پور سیوکی)

«چمن»: مجاز از باغ

«طره»: مجاز از گل مو

«طره شمشاد»: تشخیص

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «دم»: مجاز از لحظه / تشخیص ندارد.

گزینه ۳: «چنگ غم» تشخیص است. / این بیت مجاز ندارد.

گزینه ۴: «چمن» مجاز از باغ / «دل سوخته بودن بلبل» تشخیص است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۳- گزینه ۱

(سیدعلیرضا امیری)

الف) استعاره‌ها: ۱- «نگار» ← یار ۲- «ماه کنعان» ← یوسف نبی ۳- «غزالان عرشی» ← زیبارویان آسمانی / تشبیهات: ۱- ماه کنعان مانند غلام توست. ۲- تو آن‌قدر زیبایی که ماه کنعان غلام تو است. (تشبیه مرجح یار به ماه کنعان)

ب) استعاره: «آب عقیق» به معنای آبرو و اعتبار، عقیق اضافه استعاری است. تشبیهات: ۱- تشبیه مرجح لب یار به عقیق (لبت آبروی عقیق را برده است). ۲- تشبیه مرجح کلام یار به نبات (کلامت باعث شکسته شدن (ارزان شدن) نرخ شکر شده است).

ج) تشبیهات: ۱- روی چو روزت ۲- موی چو شامت - فاقد استعاره
د) تشبیهات: ۱- لب به تنگ (بار) شکر ۲- خال به مشک ۳- خال به هندو - فاقد استعاره

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۴- گزینه ۱

(سیدعلیرضا امیری)

استعاره: قعود (نشستن) فتنه: تشخیص

واژه‌آرایی: تکرار: قعود

جناس تام: قیامت: اولی: رستاخیز، دومی: قیام تو

حسن تعلیل: برای بروز قیامت، دلیل غیرمنطقی (برخاستن یار) عنوان شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان و بديع، ترکیبی)



۳۵- گزینه ۲»

(مبتدی فرهاری)

بیت «الف»: حسن تعلیل: شاعر علت پویدن ماه آسمان را جستن محبت (ممدوح) می‌داند. / بیت «ب»: استعاره: «انگشت خاییدن نیشکر» تشخیص و استعاره دارد. / بیت «ج»: حس آمیزی: شعر ترا بیت «د»: اسلوب معادله: بیت دارای اسلوب معادله است؛ هر مصراع مفهومی مستقل دارد و جابه‌جایی مصراع‌ها امکان‌پذیر و مصراع دوم، مصادق و نمونه مصراع اول است. / بیت «ه»: پارادوکس: حلقه نجات بودن کمند

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۳۶- گزینه ۴»

(مفسر اصغری)

حسن تعلیل: شاعر دلیل طراوت چهره معشوق را اشک ریختن فراوان خود دانسته است.

هیچ‌یک از کلمات «روان، مهر و ...» ابهام تناسب پدید نیاورده‌اند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تشخیص و استعاره مکنیه: «دست صبح» و «دامن باد صبا»
گزینه «۲»: تشبیه: تشبیه معشوق به گل سرخ - استعاره: شرم داشتن گل سرخ (تشخیص)

گزینه «۳»: اسلوب معادله: مصراع دوم مثال و معادلی برای مفهوم مصراع اول بیان شده است. حس آمیزی: گفتار ملایم (آمیختن دو حس شنوایی و لامسه)

(علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۳۷- گزینه ۴»

(هومن نمازی)

دو مصراع مصادقی از یکدیگرند (اسلوب معادله) و شاعر در مصراع دوم برای جنون بید مجنون دلیل غیرمنطقی آورده است (حسن تعلیل).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: این بیت، علاوه بر اینکه حسن تعلیل ندارد، اسلوب معادله نیز ندارد؛ زیرا پیوند وابسته‌ساز دارد.

گزینه «۲»: مصراع اول دلیل واقعی اقامه شده است ولی اسلوب معادله دارد.
گزینه «۳»: اسلوب معادله دارد ولی هیچ حسن تعلیلی ندارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بریع معنوی، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۵)

۳۸- گزینه ۳»

(مبتدی فرهاری)

جناس (ناهمسان): کوه و کاه / لف و نشر: بیت فاقد لف و نشر است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: تشبیه: «بحر غم» / جناس (همسان): کنار: ۱- ساحل ۲- آغوش
گزینه «۲»: تلمیح: اشاره به داستان حضرت سلیمان (ع) / پارادوکس (متناقض‌نما): از ملک سلیمان وسیع‌تر و در چشم تنگ مور جای گرفتن

گزینه «۴»: استعاره: «جان» در جانا استعاره از معشوق / تضاد: وجود و عدم (علوم و فنون ادبی، بیان و بریع، ترکیبی)

۳۹- گزینه ۲»

(هومن نمازی)

وزن این گزینه، «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» است؛ ولی وزن دیگر گزینه‌ها به این صورت است: «مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن»

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۰- گزینه ۳»

(یاسین مهربان)

صورت سؤال، از شما می‌خواهد که بدون توجه به پایه‌های آوایی ابیات، صرفاً علامت‌های هجایی «- UU -» را پیدا کنید؛ علامت‌های هجایی بیت گزینه «۳»، به شکل «- U - U - - - U - U - - -» می‌باشد که مشخصاً علامت‌های هجایی «- UU -» در آن وجود ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تقطیع هجایی بیست، به شکل «- U - U - - UU - U - U - - -» می‌باشد که بخش مشخص شده، علامت‌های هجایی مدنظر ما است.

گزینه «۲»: تقطیع هجایی بیست، به شکل «- UU - U - U - - UU - U - U - - -» می‌باشد که بخش‌های مشخص شده، علامت‌های هجایی مدنظر ما هستند.

گزینه «۴»: تقطیع هجایی بیست، به شکل «- U - U - UU - - U - U - UU - - -» می‌باشد که بخش مشخص شده، علامت‌های هجایی مدنظر ما است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۱- گزینه ۳»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

وزن بیت گزینه «۳»، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

گزینه «۲»: وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

گزینه «۴»: وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۵)

۴۲- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا علویان)

وزن بیت ذکرشده، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» می‌باشد.

تقطیع بیت:

بِ	تْ	ء	ری	بِ	تْ	یَع	نی
بِ	هْ	مان	سَب	زِ	صَ	می	می
U	-	-	-	U	U	-	-

بِ	هْ	مان	مَنْ	ظَا	رِ	دور
بِ	هْ	مان	با	غِ	بُ	لور
U	-	-	-	U	U	-

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)



۴۳- گزینه «۳»

(مبتدی فرهنگی)

وزن مصراع صورت سؤال و بیت گزینه «۳»، «مفتعلن مفتعلن فاعلن» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن

گزینه «۲»: فاعلن فاعلن فاعلن

گزینه «۴»: مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

۴۴- گزینه «۴»

(سپهر غلام‌پور سیوکی)

وزن این بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» می‌باشد و نام بحر آن

«رمل مثنی‌م محذوف» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: وزن این بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

گزینه «۲»: وزن این بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

گزینه «۳»: وزن این بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

۴۵- گزینه «۴»

(یاسین موریان)

وزن واژه این سروده، «فاعلاتن» است؛ درحالی‌که وزن واژه سایر اشعار،

«فاعلاتن» می‌باشد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۶)

۴۶- گزینه «۲»

(سپهر ممبر هاشمی)

در این گزینه، گفته شده است که آنچه در بزم و نواهای موسیقی و در دور

شراب و ساقی وجود دارد عشق است و همه چیز به او ختم می‌شود (در بیت

صورت سؤال نیز، شاعر عشق را اول و آخر همه چیز می‌داند).

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۱۹)

۴۷- گزینه «۴»

(سپهر ممبر هاشمی)

در این گزینه، به همنشینی و مصاحبت با عاقلان و گریز از همنشینی با

نادانان تأکید شده است. شاعر می‌گوید اگر با عاقلان در آتش باشی آن آتش

مانند آب بر تو گوارا خواهد شد و اگر با نادانان در بستان باشی آن بستان

همچون گور خواهد بود. در بقیه ابیات مفهوم کلی این است که عاقل از

تعقل و خرد خود در هر موقعیتی بهره می‌گیرد (مشابه معنی عبارت صورت

سؤال).

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۹۷)

۴۸- گزینه «۳»

(سپهر ممبر هاشمی)

در این گزینه، برابری کامل معنایی بین مصراع اول و دوم بیت با بیت صورت

سؤال دیده می‌شود: اینکه عاشق را ملامت و سرزنش کنیم سودی ندارد؛

ابتدا باید به زیبارویان گفت که چرا این قدر دل فریب هستید.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۵۵)

۴۹- گزینه «۲»

(مفسر اصغری)

مفهوم مشترک ابیات مرتبط: بی توجهی عاشق نسبت به سرزنش و طعنه اغیار

مفهوم بیت گزینه «۲»: نالیدن عاشق از سرزنش دشمن

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهومی، صفحه ۱۱۵)

۵۰- گزینه «۲»

(مفسر اصغری)

شاعر در بیت صورت سؤال می‌گوید: به این دلیل چشمان او باز و گشوده

است که معشوق را ببیند. این مفهوم در بیت گزینه «۲» نیز بیان شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۵۰)

جامعه‌شناسی (۳)

۵۱- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

- جامعه‌شناسی انتقادی نمی‌خواهد به وضعیتی تن دهد که داوری ارزش‌ها،

بیرون از دایره علم صورت بگیرد؛ زیرا در آن صورت سرنوشت ارزش‌ها به

مناسبات قدرت و ثروت سپرده می‌شود و همواره ارزش‌های غالب در زندگی

اجتماعی، ارزش‌های ثروتمندان و قدرتمندان خواهد بود.

- هر فرهنگی می‌تواند نظریه‌های مربوط به خود را تولید کند. از این رو هیچ

فرهنگ و هویتی نمی‌پسندد که موضوع نظریه‌هایی باشد که در زمینه

فرهنگی و تاریخی دیگری شکل گرفته‌اند.

- اگر ادعا شود دانش، تماماً محصول شرایط اجتماعی و فرهنگی است و

جوامع و فرهنگ‌ها نیز متفاوت‌اند و هر گروه، جامعه و فرهنگی نیز دانش

خود را تولید می‌کنند؛ چگونه می‌توان گفت که دانش و شناختی بهتر از

شناخت دیگری است؟ پایداری کامل به این رویکرد امکان شناخت واقعی را

از انسان می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۹۳ و ۹۴)

۵۲- گزینه «۳»

(کتاب آبی)

تشریح موارد نادرست:

- پایداری کامل به رویکرد تفسیری امکان شناخت واقعی را از انسان‌ها

می‌گیرد.

- جامعه‌شناسی انتقادی ریشه در جامعه‌شناسی تفسیری دارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۹۳ و ۹۴)



۵۳- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری نیز به دلیل پیروی از الگوی تعارف و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند.

- تعارف به معنای شناخت متقابل است.

- جشن سال نوی چینی که در آمریکا برگزار می‌شود، نمونه‌ای از مدل تکثرگرا است.

(پایه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

۵۴- گزینه «۲»

(آزیتا پیرقی)

عامل شکل‌گیری جوامع از دیدگاه ابن‌خلدون ← عصبیت شناخت خداوند و خویشتن ← از عالی‌ترین و مفیدترین دانش‌ها در سخن گفتن با دیگری از زبان خود برای اصلاح یک رابطه ظالمانه استفاده می‌کنیم. ← عقل انتقادی

تلاشی برای بسط دیدگاهی جامع نسبت به انسان و معناداری جهان است.

← فلسفه

(پایه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۹۹، ۱۰۴ و ۱۰۷)

۵۵- گزینه «۱»

(آزیتا پیرقی)

فارابی در علم مدنی به دآوری علمی هنجارها و ارزش‌ها و آرمان‌های مختلف می‌پردازد.

به توصیف و فهم کنش‌ها و ساختارهای جوامع مختلف می‌پردازد.

بایدها و نبایدهایی برای زندگی اجتماعی تجویز می‌کند.

به تبیین و علت‌یابی واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد.

(پایه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۰۲)

۵۶- گزینه «۳»

(آزیتا پیرقی)

جامعه‌شناسی ابن‌خلدون در مقایسه با جامعه‌شناسی فارابی محافظه‌کارانه است.

ابوریحان بیرونی، پیچیدگی زبان و خط هندی و به نظم درآوردن متون علمی به قصد مصون ماندن از تحریف را عامل دشواری فهم معارف هندیان دانسته است.

عوامل مهاجرت در جمعیت‌شناسی و شناخت پدیده‌های طبیعی و مادی با عقل ابزاری شناخته می‌شود.

عقل انتقادی به ارزیابی وضعیت ارزش‌های عدالت و آزادی می‌پردازد.

(پایه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶ و ۱۰۷)

۵۷- گزینه «۴»

(آزیتا پیرقی)

در سخن گفتن با دیگری از زبان خود برای ترغیب او به انجام کاری که ما می‌پسندیم استفاده می‌کنیم. ← عقل ابزاری

روش او در علوم اجتماعی مشابه روشی است که چهارصد سال بعد کنت در

جامعه‌شناسی تبیینی به‌کار گرفت. ← ابن‌خلدون

عامل برتری انسان بر فرشتگان و خلیفه خداوند شدن او در زمین ← علم

اشتراک مدینه فاسقه و مدینه ضاله ← انحراف از مدینه فاضله

(پایه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۷)

۵۸- گزینه «۳»

(فاطمه صغری)

میرزای نائینی در آغاز قرن بیستم و در شرایط آن روز جامعه خود، معتقد بود که ما نمی‌توانیم ویژگی دوم جامعه مطلوب را که مستلزم تغییر نظام پادشاهی است، تحقق ببخشیم ولی می‌توانیم ویژگی اول چنین جامعه‌ای را محقق کنیم تا مردم از طریق مجلس، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی را به گونه‌ای عادلانه شکل دهند.

مجلس شورای اسلامی با مشارکت نمایندگان مردم موظف است شرط اول جامعه مطلوب فقه شیعی یعنی برقراری قوانین عادلانه در جامعه را محقق کند.

فقه، مسائل اجتماعی را توصیف یا تبیین نمی‌کند؛ اما درباره چگونگی رفتار اجتماعی مسلمانان و جامعه اسلامی، احکام و قواعدی را مطرح می‌کند و به نقد و ارزیابی آن‌ها می‌پردازد.

(پایه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۱۰، ۱۱۳ و ۱۱۴)

۵۹- گزینه «۴»

(فاطمه صغری)

تعامل متفکران مسلمان با علوم اجتماعی مدرن می‌تواند زمینه طرح نظریات جدید را فراهم آورد. در عین حال، به متفکران مسلمان امکان می‌دهد که علوم اجتماعی جهان اسلام را گسترش دهند و علاوه بر توصیف و تبیین مسائل جهان اسلام، مسائل جامعه جهانی را هم تحلیل کنند و برای برون‌رفت از بحران‌هایی مانند بحران آگاهی و بحران معنا راه حل ارائه دهند. آنان دانش علمی را به دانش حسی و تجربی محدود نمی‌کنند. از این رو، برخلاف رویکرد تفسیری، تفسیر را در تقابل با تبیین نمی‌دانند بلکه هر تفسیری را نوعی تبیین به شمار می‌آورند؛ زیرا تفسیر را هم نیازمند استدلال می‌دانند.

(پایه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۱۵، ۱۱۶ و ۱۱۹)



۶۰- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

عقل در معنای خاص، قوه‌ای است که انسان به کمک آن حقایق و قواعد جهان را می‌شناسد و براساس موضوع مورد مطالعه خود به اقسامی تقسیم می‌شود.

عقل نظری: واقعیت‌هایی را که مستقل از آگاهی و اراده انسان وجود دارند، شناسایی می‌کند و علومى مانند فلسفه، ریاضیات و طبیعیات را پدید می‌آورد. برای مثال قانون علیت در فلسفه یا قانون جاذبه زمین در فیزیک با این عقل شناخته می‌شوند.

عقل عملی: واقعیت‌هایی را که با آگاهی و اراده انسان به وجود می‌آیند، مانند ارزش‌ها و آرمان‌ها، شناسایی می‌کند؛ مثلاً خوبی عدالت و بدی ظلم را می‌شناسد. این عقل، علوم انسانی و اجتماعی را پدید می‌آورد.

(جامعه‌شناسی (۳)، افق علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه ۱۱۸)

جامعه‌شناسی (۲)

۶۱- گزینه «۴»

(زینب آزری)

جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند. همچنین بین جهان تکوینی و جهان انسانی رابطه برقرار است. سه دیدگاه درباره تعامل جهان‌های مختلف مطرح شده است. دیدگاه اول: براساس این دیدگاه جهان تکوینی صرفاً به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آن‌ها نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه هیچ تفاوتی بین علوم طبیعی و انسانی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و علوم اجتماعی سلب می‌کند (دیدگاه دیوید مربوط به دیدگاه اول است زیرا جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کند).

دیدگاه دوم: معتقدند جهان فرهنگی مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی است. در این دیدگاه جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آن‌هاست و جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. این دیدگاه می‌گوید جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند (دیدگاه نویسنده سوم از این نوع است).

دیدگاه سوم: براساس این دیدگاه جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی هر سه مهم و در تعامل هستند. دیدگاه قرآنی است و جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌کند و ادراک و آگاهی را به انسان منحصر نمی‌داند. قرآن کریم باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند اغلال و سلاسل می‌نامد (دیدگاه نویسنده دوم).

(جامعه‌شناسی (۲)، جهان فرهنگی، صفحه‌های ۷ و ۸)

۶۲- گزینه «۴»

(زینب آزری)

تشریح موارد نادرست:

هدف مردم جامعه تغلب خوار و مقهور کردن دیگران است. در استعمار نو کشورهای استعمارگر از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. زبان فارسی پیش از آنکه هندوستان مستعمره انگستان شود، دومین زبان رسمی و زبان علمی و فرهنگی این کشور بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۹، ۲۴ و ۲۵)

۶۳- گزینه «۳»

(شهریار عبدالله)

جنگ‌های صلیبی، فتح قسطنطنیه و مواجهه اروپاییان با مسلمانان (علت) زمینه‌های فروریختن اقتدار کلیسا را فراهم کردند (پیامد). فروریختن اقتدار کلیسا (علت)، موجب ایجاد فرصت بروز و ظهور پادشاهان و قدرت‌های محلی به‌عنوان رقیبان دنیاطلب کلیسا شد (پیامد). فرهنگ غرب برای بسط و گسترش ابعاد دنیوی خود به حذف پوشش دینی و تفسیر غیرتوحیدی فرهنگ یونان و روم باستان روی آورد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۴۷ و ۵۰)

۶۴- گزینه «۲»

(شهریار عبدالله)

رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان سبب پیدایش و رشد برخی نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن به‌عنوان «پروتستانتیسم» یاد می‌شود. «آنا ریکم الاعلی: من پروردگار برتر شما هستم.» از نمونه‌های فرهنگ دینی است که افراد هواهای نفسانی خویش را دنبال می‌کنند و آن را در قالب مفاهیم دینی پنهان می‌کنند. روشنگری با رویکرد دنیوی اگر با شناخت عقلی همراه باشد به دلیل اینکه وحی را نمی‌پذیرد به «دئیسم» منجر می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۳۸، ۴۰، ۴۱ و ۴۳)

۶۵- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

- تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

- به دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر، مبادلات تجاری در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی پیدا می‌کند.

- وابستگی کشورهای استعمارزده، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد؛ زیرا کشورهای غربی بعد از



آنکه در کشورهای استعمارزده با مقاومت‌های سیاسی و نهضت‌های آزادی‌بخش مواجه می‌شوند، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت می‌شناسند اما اقتصاد وابسته، دولت‌های مستقل را ناگزیر می‌کند تا در چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار گیرند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۶۶- گزینه ۱»

(فاطمه صفری)

جنگ ویتنام، جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت.

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح را کسانی به کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب عملکرد کشورهای مرکزی، ضعیف و فقیر شده‌اند. براساس این نظریه، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند؛ به این ترتیب که با ثروت به دست آمده از کشورهای پیرامونی، رفاه کارگران و اقشار ضعیف خود را تأمین می‌کنند و مشکلات حادث درونی‌شان را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند. آن‌ها با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز را آسان می‌کنند.

اگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد بود که فاتحان در گذشته تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند، ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت برمی‌بندد. از دیدگاه او، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست؛ بلکه امری عارضی و تحمیلی است.

در جنگ جهانی اول، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۸۳، ۸۵، ۸۸ و ۸۹)

۶۷- گزینه ۳»

(فاطمه صفری)

بحران‌های زیست‌محیطی ابتدا در حوزه رابطه انسان با طبیعت قرار داشت؛ اما به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر و اختلافات سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شد. به منظور چاره‌اندیشی برای این آسیب‌ها، همایش‌های بین‌المللی متعددی درباره بحران زیست‌محیطی برگزار شده است، که البته نتوانسته‌اند از شتاب بحران بکاهند.

در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت کاهش می‌یابد. سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند، با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنه آن افزوده می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های جهانی، صفحه‌های ۹۲، ۹۳، ۹۵ و ۹۶)

۶۸- گزینه ۳»

(آزیتا بیدرقی)

اشتراک امان‌الله خان، آتاتورک، رضا خان ← دنبال کردن آرمان‌های منورالفکران غرب‌زده با حمایت دولت‌های غربی
شکل‌گیری اعتراضات نسل دوم روشنفکران به نسل اول روشنفکران ← از نوع اعتراضاتی بود که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل گرفت.

رویکرد نخستین بیدارگران اسلامی نسبت به قومیت‌های مختلف ← به رسمیت شناختن آن‌ها درون امت واحد اسلامی
اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد ← ناسیونالیسم

(جامعه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۰۹ تا ۱۱۲)

۶۹- گزینه ۲»

(آزیتا بیدرقی)

تشریح عبارت نادرست:

فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی بود نه در جهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در جهت رقابت با آن است.

(جامعه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۲۰)

۷۰- گزینه ۱»

(آزیتا بیدرقی)

علت از دست رفتن اعتبار ارزش‌ها و آرمان‌های پس از رنسانس ← انقلاب اسلامی

پیامد موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی‌اش ← ابطال نظریه پایان تاریخ

علت محدود شدن مشروعیت قرارداد کمپ دیوید در باور مسلمانان ← بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعی

(جامعه‌شناسی (۲)، بیداری اسلامی و جهان پریر، صفحه‌های ۱۲۷، ۱۳۱ و ۱۳۲)

روان‌شناسی

۷۱- گزینه ۱»

(فرهار علی‌نژاد)

روش علمی (یا همان روش تجربه) یکی از روش‌های کسب آگاهی و معرفت است که مشاهده و تجربه رکن اساسی آن است.

موضع روش علمی درباره موجودات غیرمحموس (غیرقابل مشاهده) می‌تواند «نمی‌دانم» باشد و اظهارنظر قطعی (مانند بخش دوم گزینه ۱) نمی‌تواند داشته باشد؛ بنابراین، قسمت دوم گزینه‌های «۲ تا ۴» همگی می‌توانند صحیح باشند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۶)



۷۲- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

تعریف عملیاتی باعث می‌شود که افراد به برداشت‌های یکسان یا تقریباً یکسانی از متغیر برسند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۱۹)

۷۳- گزینه «۲»

(فرهاد علی‌نژاد)

در این بیت به تأثیر محیط اشاره شده است و بحث «عادت» به ناز و نعمت مطرح است که اگر کسی به چنین شرایطی عادت کند، دیگر با محیطی جدید سخت‌اخت و مأنوس می‌شود.

در دیگر ابیات به طرق مختلف بحث قابل‌بودن اصل و گوهر افراد برای تأثیر تربیت مطرح شده است؛ یعنی این ابیات به عوامل وراثتی اشاره دارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی، روش، صفحه ۳۹)

۷۴- گزینه «۱»

(مهروی پاهری)

در موقعیت جست‌وجوی صورت سؤال، قرص‌ها عوامل و محرک‌های انحرافی بوده و پاندا محرک هدف است. در جست‌وجو هر چقدر تعداد محرک‌های انحرافی بیشتر شود (در تصویر صورت سؤال تعداد قرص‌ها بیشتر شود).

یافتن محرک هدف دشوارتر شده و زمان بیشتری برای پیدا شدن آن مورد نیاز است. همچنین هر چقدر محرک هدف منحصر به فردتر باشد و نسبت به محرک‌های انحرافی متمایزتر باشد (در تصویر صورت سؤال رنگی بودن قرص‌ها) یافتن محرک هدف ساده‌تر شده و در نتیجه زمان مورد نیاز برای پیدا شدن آن کمتر می‌شود.

(روان‌شناسی، احساس، توفه، ادراک، صفحه ۷۹)

۷۵- گزینه «۳»

(همیرضا توکلی)

عبارت اول اشاره دارد به «تغییر درونی در محرک‌ها» که تمرکز ایجاد می‌کند و عبارت دوم اشاره دارد به جلوگیری از «یکنواختی و ثبات نسبی محرک» که یکی از عوامل مانع تمرکز است.

(روان‌شناسی، احساس، توفه، ادراک، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۷)

۷۶- گزینه «۳»

(فرهاد علی‌نژاد)

شبکه سلسله‌مراتبی مربوط به معنای واژگان و دیگر واژگانی است که با آن‌ها تداعی می‌شوند و در حافظه معنایی شکل می‌گیرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴).

اگر شخصی یک واقعه تاریخی را تجربه کرده باشد، آن واقعه برای او مربوط به حافظه رویدادی است.

اگر شخصی با توجه به سن‌وسال‌ش امکان داشته باشد که واقعه‌ای را تجربه کند، آن گزاره ممکن است مربوط به حافظه معنایی یا رویدادی او باشد.

(بسته به اطلاعات دیگر مشخص می‌شود دقیقاً کدام حافظه). گزینه «۱» این‌گونه است و رد می‌شود.

اگر شخصی واقعه‌ای تاریخی را از نزدیک تجربه نکرده باشد، آن واقعه مربوط به حافظه معنایی اوست. گزینه «۳» این‌گونه است و تأیید می‌شود.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۷۷- گزینه «۲»

(موسا عفتی)

- بیان اهمیت مطلب: چیزی را که دوست داشته باشیم، راحت‌تر رمزگردانی می‌کنیم.

- مطالعه چندحسی: رمزگردانی بیشتر مطالب به صورت شنیداری است، اگر همین اطلاعات به صورت دیداری هم رمزگردانی شوند، رمزگردانی قوی‌تر می‌شود.

رمزگردانی معنادار: اگر اطلاعات را به صورت معنایی تبدیل و از معانی مختلف برای سپردن به حافظه استفاده کنید، مطالب دیرتر فراموش می‌شوند.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۰۹)

۷۸- گزینه «۳»

(مهروی پاهری)

زمانی که هدف روشن نباشد درک از مسئله ناقص خواهد بود. همچنین عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها باعث استفاده از راه‌حل‌های غیرمنطقی می‌شود. در آخر شناخت بهتر موقعیت موجود، سبب شناخت بهتر موانع موجود می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه ۱۱۶)

۷۹- گزینه «۱»

(همیرضا توکلی)

در تشخیص مسئله، دیگران باید نقش راهنما داشته باشند و تصور مبهم باعث انتخاب راه‌های غیرمنطقی می‌شود. ارزیابی باعث می‌شود ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشیم.

(روان‌شناسی، تفکر (۱) حل مسئله، صفحه‌های ۱۱۹ و ۱۲۰)

۸۰- گزینه «۴»

(مهروی پاهری)

در ملاک تصمیم‌گیری «خطر» فرد تصمیم‌گیرنده براساس ریسک آسیب تصمیم‌گیری می‌کند. بر این اساس هر چقدر شرکت طراحی‌کننده ریسک شرکت در مسابقه را کاهش دهد (به بیان دیگر شانس موفقیت را افزایش دهد) احتمال شرکت بیشتر می‌شود. بر این اساس افزایش تعداد افراد جایزه‌گیرنده براساس افزایش شانس برنده شدن هر نفر موجب افزایش اقبال به مسابقه می‌شود.



در ملاک تصمیم‌گیری «مزیت» ملاک فرد برای تصمیم‌گیری سودمندی است. یعنی بر این اساس هر چقدر سود بالقوه پیروزی در مسابقه بیشتر شود احتمال شرکت در آن بیشتر می‌شود. بر این اساس طراحی مسابقه به نحوی که برنده یا برنده‌ها میزان بیشتری جایزه دریافت کنند موجب افزایش احتمال شرکت آن‌ها در مسابقه می‌شود.

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۱)

۸۱- گزینه «۴»

(همیدرضا توکلی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ملاک هزینه و مزایا با هم آمیخته هستند و اشخاص دودل می‌مانند. - تکانشی

گزینه «۲»: ملاک هزینه منجر به ماندن شخص شده است. - وابسته

گزینه «۳»: ملاک مزایا نقش بیشتری دارد و احتمال ترک موقعیت کم است. - تکانشی

گزینه «۴»: ملاک خطر نقش پررنگی دارد و احتمال دارد که شخص به پیاده‌روی نرود - احساسی

(روان‌شناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ تا ۱۴۲)

۸۲- گزینه «۴»

(مهوری باهاری)

علی و سعید مطالعه کردن و کوه‌نوردی را بالنفسه دوست دارند و منبع لذت این موارد برای آن‌ها درون خود تکلیف است؛ پس انگیزه این دو درونی است. همچنین مینا «برای» شغل پیدا کردن درس خوانده و مینا کار می‌کند «تا» به مسافرت برود، پس هدف از درس خواندن و کار کردن این دو امری جز خود تکلیف است و به همین جهت انگیزه مینا و مینا بیرونی است.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه ۱۶۳)

۸۳- گزینه «۴»

(همیدرضا توکلی)

میان عناصر و اجزای شناخت ارتباط وجود دارد و این پیوندها تمایل زیادی به هماهنگ شدن دارند.

بنابراین نگرش‌ها در برابر تغییر مقاوم هستند و تمایل دارند که هماهنگ شوند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۵ تا ۱۷۶)

۸۴- گزینه «۴»

(غره‌دار علی‌نژاد)

فلج پیامدی کاملاً جسمانی است که در مثال صورت سؤال بنابر عاملی روانی (سرکوب اتفاقات آزارنده در روان فرد) اتفاق افتاده است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی سلامت، صفحه ۱۹۱)

۸۵- گزینه «۲»

(مهسا عفتی)

فرد در روش در انتظار معجزه بودن، بدون اینکه تلاش کند، منتظر می‌ماند که اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ دهد؛ در واقع او دست دست می‌کند و فقط زمان را از دست می‌دهد.

(روان‌شناسی، ترکیبی، صفحه‌های ۱۴۶ و ۲۰۲)

۸۶- گزینه «۱»

(کتاب آبی)

به نتیجه حاصل از تحریک گیرنده‌های حسی (مثلاً شنیدن) «احساس» می‌گویند. به کمک «توجه» یک یا چند محرک احساس شده را انتخاب می‌کنیم (دنبال کردن جهت صدا)؛ سپس محرک انتخاب شده را تعبیر و تفسیر می‌کنیم (تشخیص گربه). به این فرایند ادراک گفته می‌شود. فرایند استفاده از اطلاعات موجود در حافظه «تفکر» نام دارد (نگرانی احمد با توجه به سابقه ذهنی‌ای که از قبل دارد). تفکر شامل استدلال (اذیت بچه گربه)، قضاوت (مردن از گرسنگی)، حل مسئله و تصمیم‌گیری (بردن به خانه) است.

مقدمه شکل‌گیری شناخت ← تحریک گیرنده‌ها و احساس

شناخت پایه ← شامل توجه، ادراک و حافظه

شناخت عالی ← شامل تفکر (استدلال، قضاوت، حل مسئله و تصمیم‌گیری)

(روان‌شناسی، روان‌شناسی، تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۸۷- گزینه «۳»

(مهم‌ر سایی)

- انجام دادن چند تکلیف همزمان، کارایی توجه را کاهش می‌دهد. البته در موارد زیر، اثر منفی انجام دادن چند تکلیف همزمان، کاهش می‌یابد:

- تکالیف مورد نظر دشوار نباشند.

- دو تکلیف به همدیگر شبیه باشند.

- فرد انجام‌دهنده تکلیف (در اینجا فاطمه) از مهارت‌های لازم برخوردار باشد.

(روان‌شناسی، احساس، توبه ادراک، صفحه ۸۱)

۸۸- گزینه «۴»

(کتاب آبی)

فرایند انتخاب محرک از بین محرک‌های حسی مختلف را «توجه» می‌نامند که با تمرکز متفاوت است.

به همه چیزهایی که در دامنه توجه ما قرار می‌گیرد، آگاهی کامل نداریم.

آماده‌سازی زمانی اتفاق می‌افتد که شناخت محرک معینی، تحت تأثیر ارائه پیشین همان محرک یا محرک شبیه آن قرار می‌گیرد.



تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مربوط به مفهوم ادراک است. (افراد از درجهٔ دشواری مطالب درسی درک متفاوتی دارند؛ برخی مطالب را سهل و برخی دیگر همان مطالب را دشوار می‌پندارند.)

گزینه «۲»: مربوط به مفهوم احساس است.

گزینه «۳»: مربوط به مفهوم تمرکز است.

(روان‌شناسی، اساس، توجه، ادراک، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۵)

۸۹- گزینه «۳»

(مفهم رسایی)

در اینجا با حافظهٔ کاری سر و کار داریم. حافظهٔ کاری همانند یک تخته‌سیاه است که ذهن محاسباتش را روی آن انجام می‌دهد. در اینجا غزل علاوه بر ذخیره‌سازی کوتاه‌مدت اطلاعات مربوط به قیمت وسایل، قیمت آن‌ها را هم حساب کرده و در ذهن خود حساب می‌کند.

نکته: مفهوم حافظهٔ کاری نشان‌دهندهٔ این موضوع است که انواع حافظه‌ها را نمی‌توانیم صرفاً براساس زمان تقسیم کنیم؛ بلکه میزان استفاده از اطلاعات تعیین‌کنندهٔ در دسترس بودن یا عدم دسترسی به آن اطلاعات است.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۴ تا ۹۷)

۹۰- گزینه «۳»

(کتاب آیین)

اقناع و راضی شدن امری درونی است؛ بنابراین در این فرض افراد تحت تأثیر انگیزه‌های درونی به رعایت قوانین رانندگی ملزم می‌شوند.

(روان‌شناسی، انگیزه و کنش، صفحه ۱۶۳)

عربی زبان قرآن (۲) و (۳)

۹۱- گزینه «۲»

(ممبرضا قاندرامینی)

«إن» اگر (رد گزینه ۳) / «ننصرُکم»: شما را یاری می‌کند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «یثبِت»: استوار می‌سازد (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

نکات مهم درسی:

«إن» ادات شرط به معنای «اگر» است.

در اسلوب شرط، عموماً فعل شرط به صورت «مضارع التزامی» و جواب شرط به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود.

(ترجمه)

۹۲- گزینه «۴»

(ولی بریی - ابور)

«أَنْ يَتَوَاضَعُوا»: فروتنی کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أَمَامَ»: در برابر، در مقابل (رد گزینه ۳) / «جیران»: جمع مکسر «جار» همسایگان (رد گزینه ۱) / «الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ عَلَى الْآخِرِينَ»: کسانی که به دیگران تکبر می‌ورزند (رد گزینه ۲) / «مُعْجِبِينَ بَأَنفُسِهِمْ»: (چون خبر است، مفرد ترجمه می‌شود) خودپسند (رد گزینه ۱)

۹۳- گزینه «۲»

(پیروز وهان)

«لِيُطَلَّقَ»: باید رها کند (رد گزینه ۴) / «انسان»: (اسم نکره) انسانی (رد گزینه ۱) / «قَدْ تَعَوَّدَ»: (فعل ماضی) عادت کرده است (رد گزینه ۳) / «مَنْ ذَلِكَ الْمَرَضُ»: از آن بیماری (رد گزینه ۱)؛ دقت کنید «المرض» اسمی معرفه به معنای «بیماری، بیمار بودن» است) / «سَيَصِيرُ نَادِمًا آخِرًا»: بالاخره پشیمان خواهد شد (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۹۴- گزینه «۱»

(بهروز هیررکی)

«مَا لِإِمَامِ النَّاسِ وَ لِنَعِيمٍ»: پیشوای مردم را با نعمتی که ... چه کار (رد سایر گزینه‌ها) / «لَا بَقَاءَ»: «لَا» از نوع نفی جنس، «بَقَاءَ» اسم نکره و زمان جمله، مضارع است) هیچ بقایی ندارد (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۹۵- گزینه «۲»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

«كُنْتُ أَسْأَلُ»: می‌خواستم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «بَاكِيًا»: (حال) با گریه (رد گزینه ۳) / «أَنْ يُنْقِذَنِي»: من را نجات دهد / «بَتِيرٍ»: نورانی کند / «سواد قلبی»: سیاهی قلب (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «بِالْعِلْمِ النَّافِعَةِ»: با دانش‌های سودمند (رد گزینه ۴) / «يُعِينَنِي»: مرا یاری کند (رد گزینه ۴) / «مَا هُوَ أَفْضَلُ لِي»: آنچه که برایم بهتر است (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۹۶- گزینه «۱»

(بهروز هیررکی)

«ذَلِكَ»: آن / «سِرَاوِيلَ أَفْضَلَ»: شلوارهایی بهتر (ترکیب وصفی نکره)

(ترجمه)

۹۷- گزینه «۴»

(پیروز وهان)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أَمْلًا» فعل امر به معنای «پُر کن» است که در این‌جا ترجمه نشده است.

گزینه «۲»: فقط دشمن ← دشمن فقط پیرمردان را (با توجه به ساختار جملهٔ عربی، لفظ «فقط» باید بر سر کلمهٔ «پیرمردان» ذکر شود)

گزینه «۳»: یاری کن ← یاری کننده (ناصر: اسم فاعل است، نه فعل امر؛ می‌توانیم این نکته را از کلمهٔ «كَلَّ» که مجرور شده است بفهمیم، چون بعد از فعل، هیچ‌گاه اسم مجرور نمی‌آید.)

(ترجمه)



۹۸- گزینه «۱»

(مرتضی کاظم شیرووری)

«داشتیم»: کان لئا، کان عندنا، کان لدینا (رد گزینه ۴) / «یک همکلاسی»: زمیل، زمیل واحد (اسم نکره است و بدون «ال» می آید ← رد گزینه ۳) / «با وجود اینکه معلول بود»: علی الرغم من أنه كان معوقاً (رد گزینه های ۲ و ۴) / «می توانست»: کان + یستطیع (رد گزینه های ۲ و ۴) / «از راه لمس»: عن طریق اللمس / «حرف بزند»: أن یتکلم، التکلم (توجه: گاهی مصدر می تواند همانند فعل ترجمه شود).

نکته مهم درسی:

«کان» بر سر «ل»، «عند» و «لدی»، معادل «داشت» در فارسی است.

(ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

گاهی انسان با چیزی روبرو می شود که نمی داند، یا از حل مشکلی ناتوان می ماند، و یادگیری در آن زمینه برایش سخت می شود؛ زیرا از زمینه آموزش و تمرین وی دور است، پس اینها لحظاتی هستند که در آن، استفاده از کارشناسان برای کمک به حل مشکلات مهم می باشد. به طوری که طرح تعدادی سؤال از فرد مناسب می تواند کار را حتماً ساده کند. معمولاً مردم وقتی به کارشناسان تکیه می کنند که اعتماد به نفسشان را از دست می دهند و گمان می کنند که آنان قادر به حل مشکل نخواهند بود، ولی اشتباه است که همواره به کارشناسان تکیه کنیم، یکی از خطرات تکیه به کارشناسان متخصص این است که تخصص وسیع آنان ممکن است ما را از کوشش لازم برای فکر کردن باز دارد و از مغزهایمان استفاده نکنیم، علاوه بر این، کارشناس ممکن است در موقعیت های مشابه هم، پیشنهادهایی را پیدا کرده و طرح کند، شاید این موضوع در فرایند حل مشکلات آسان به شکلی سریع، مفید باشد، اما برای مشکلات سخت، ممکن است مثل سقوط باشد!

۹۹- گزینه «۲»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«کارشناسانی وجود دارند که می توانند هر مشکلی را به شکل سریعی حل کنند!»؛ از نظر منطقی، عبارت صحیحی نیست.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: گاهی اوقات، کارشناسان بهترین کسانی محسوب می شوند که اطرافمان هستند! (صحیح)

گزینه «۳»: هر کس نتواند مشکل سختی را حل کند، باید درباره آن از کارشناسان سؤال بپرسد! (صحیح)

گزینه «۴»: ممکن است به جای یادگیری در برخی زمینه ها، از کارشناسان استفاده کنیم! (صحیح)

(درک مطلب)

۱۰۰- گزینه «۴»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«اگر در کارهای مختلف بر کارشناسان تکیه کنیم، از برخی توانایی هایمان غفلت خواهیم کرد!» مطابق جملات پایانی متن این موضوع، صحیح است.

تشریح سایر گزینه ها:

گزینه «۱»: اگر کسی از علم کارشناسان متخصص استفاده کند، اعتماد به نفس را از دست می دهد!

گزینه «۲»: اگر به پیشنهاد کارشناس در مورد مشکل سختی عمل نماییم، دچار سقوط می شویم!

گزینه «۳»: اگر انسان در مورد مشکلاتش با کارشناس صحبت کند، از اندیشیدن و ابتکار خودداری می کند!

هیچ یک از گزینه های بالا، به طور کلی و لزوماً صحیح نیستند.

(درک مطلب)

۱۰۱- گزینه «۳»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

صورت سؤال، عنوان مناسب را برای متن می خواهد:

تشریح گزینه ها:

گزینه «۱»: آیا مشورت با کارشناسان مفید است یا نه؟! (پاسخ این سؤال، قطعاً مثبت است و متن، بر روی آن تمرکز و بحث نکرده است).

گزینه «۲»: مشورت کن قبل از اینکه تصمیم بگیری و شروع به کاری کنی! (موضوع کلی متن، سفارش به مشورت نیست).

گزینه «۳»: چه وقت از مشورت کارشناسان سود می بریم؟! (متن نیست).

گزینه «۴»: دنبال فرد مناسبی بین کارشناسان بگرد! (موضوع کلی و اصلی متن نیست).

(درک مطلب)

۱۰۲- گزینه «۳»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«له حرفان زائدان» نادرست است؛ «بِوَاجِبٍ» بر وزن «يُفَاعِلُ»، فعل مضارع از باب مفاعلة است و یک حرف زائد دارد.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۰۳- گزینه «۴»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«مرفوع بالتبعية من الموصوف» نادرست است؛ «الواسعة» صفت است و موصوف آن، «خبرة» است که اسم حروف مشبهة بالفعل و منصوب است، بنابراین شکل صحیح آن، «منصوب بالتبعية من الموصوف» است.

(تفلیل صرفی و اعراب)

۱۰۴- گزینه «۳»

(سیره معیا مؤمنی)

در گزینه «۳»، «تَتَكَلَّمُ» (فعل مضارع از باب تَفَعَّلُ) و «مُعَيَّنَةٌ» (اسم مفعول به معنی «تعیین شده، مشخص شده») با این حرکت گذاری صحیح هستند.

(ضبط حرکات)



۱۰۵- گزینه ۲»

(همبرضا قانراهمینی)

در این گزینه، مانند آیه صورت سؤال به این نکته اشاره شده است که خداوند، روزی را برای آفریدگانش می‌گستراند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شاعر از خداوند، روزی پاک درخواست کرده است.

گزینه ۳: به این نکته اشاره شده است که آفریدگان (روزی‌خواران)، علاوه بر این که به دنبال موفقیت در زندگی هستند، از شرایطی که در زندگی با آن روبه‌رو هستند، گلایه دارند.

گزینه ۴: شاعر پس از چند سال تمکن مالی، دچار فقر و نیازمندی شده است.

(مفهوم)

۱۰۶- گزینه ۳»

(پیروز وهان)

حرف لام در «لنا» و «لتوسیع» هر دو جازه هستند، چون به یک اسم چسبیده‌اند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: لام در «لنعمل»: جازمه (امر) / لام در «لنصل»: ناصبه

گزینه ۲: لام در «لنشتری»: ناصبه / لام در «لأم»: جازه

گزینه ۴: لام در «لنتقدم»: جازه / لام در «لیجتهد»: جازمه (امر)

(قواعد فعل)

۱۰۷- گزینه ۴»

(اسماعیل علی‌پور)

هنگامی که در متنی، یک اسم نکره می‌آید و سپس همان اسم به صورت معرفه با «ال» تکرار می‌شود، حرف «ال» به صورت اسم اشاره (آن) ترجمه می‌شود. در گزینه ۴، «معلمین» ابتدا به صورت نکره آمده و سپس همان اسم به صورت معرفه (المعلمون) آمده است، پس حرف «ال» معنای اسم اشاره (آن) می‌دهد.

دقت داشته باشید که تفاوت نشانه جمع در «معلمین» و «معلمون»، تنها به دلیل تفاوت نقش و اعراب آن دو در جمله است.

(قواعد اسم)

۱۰۸- گزینه ۲»

(مرتضی کاظم شیرووری)

وقتی افعال ناقصه بر سر جمله اسمیه (مبتدا و خبر) می‌آیند، خبر را منصوب می‌کنند، اما اسم، مشابه مبتدا، به همان حالت مرفوع باقی می‌ماند.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه ۱: «السّمک الطّائر» نادرست است، زیرا اسم کان باید مرفوع باشد. (صحیح: السّمک الطّائر)

گزینه ۲: «الأوضاع» اسم لیس و مرفوع است، «مُناسبه» نیز خبر آن و منصوب است که هر دو به درستی ذکر شده‌اند.

گزینه ۳: «أصبحت» نادرست است، زیرا مرجعش قبل از آن، به صورت مثنی آمده است (صحیح: أصبجتا). «نشیطتان» هم نادرست است، زیرا خبر أصبِح باید منصوب باشد. (صحیح: نشیطتین)

گزینه ۴: «قادر» نادرست است، زیرا خبر کان باید منصوب باشد. (صحیح: قادراً)

(انواع یملات)

۱۰۹- گزینه ۴»

(همبرضا قانراهمینی)

در این گزینه، اسلوب ندا و منادا وجود ندارد؛ «حامد» مبتدا و فعل غایب «أحسن» خبر آن است. ترجمه عبارت: حامد به بیچارگان مستحق و نیازمندان نیکی کرد!

تکات مهم درسی:

۱) گاهی در اسلوب ندا، حرف ندا (یا) حذف می‌شود.

۲) در اسلوب ندا، معمولاً پس از منادا، فعل یا ضمیری از صیغه مخاطب می‌آید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «رب» منادا است و پس از آن، فعل امر از صیغه مفرد مذکر مخاطب آمده است (اجعل).

گزینه ۲: «مُحطئ» منادا است و پس از آن، فعل امر از صیغه مفرد مذکر مخاطب آمده است (استغفر).

گزینه ۳: «تلامیذ» منادا است و پس از آن، فعل امر از صیغه جمع مذکر مخاطب آمده است (قوموا).

(اسلوب ندا)

۱۱۰- گزینه ۳»

(نور امساکلی)

در گزینه ۳، منادا مضاف نیست و مضاف الیهی نگرفته است. در این جمله، «آیها الرجل» به عنوان گروه منادایی در نظر گرفته می‌شود.

در سایر گزینه‌ها، منادا از نوع مضاف است و پس از آن، مضاف‌الیه آمده است. (گزینه ۱: زملاء + ی / گزینه ۲: ربّ = ربّ + ی / گزینه ۴: قوم = قوم + ی)

(اسلوب ندا)

تاریخ و جغرافیا (۳)

۱۱۱- گزینه ۳»

(سید علیرضا علویان)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تدوین و تصویب قانون اساسی، زمینه برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و تشکیل دولت دائم فراهم آمد. ابوالحسن بنی‌صدر به عنوان نخستین رئیس جمهوری ایران اسلامی انتخاب شد.

(تاریخ (۳)، استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، صفحه ۱۴۰)



۱۱۲- گزینه «۳»

(سید علیرضا علویان)

نفوذ یکی از روش‌های ورود به جبهه مقابل در جنگ نرم است که روشی خاموش و تدریجی بوده و در بسیاری موارد، هدف مورد نفوذ، بدون آنکه خود بفهمد، طعمه دشمنان قرار می‌گیرد. هزینه نظامی در این روش، به شدت کاهش پیدا کرده و مهم‌تر از همه، دشمن هیچ‌گاه به شکل واضح و روشن، آشکار نمی‌شود و به همین دلیل، شناسایی و طرد نمی‌گردد.

(تاریخ (۳)، استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، صفحه ۱۴۵)

۱۱۳- گزینه «۱»

(سید علیرضا علویان)

انگیزه و اهداف صدام از تحمیل جنگ بر ایران:

۱- حاکمیت بر آبراه مهم اروندرود، دسترسی و تسلط بر خلیج فارس و جدایی جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ و استان خوزستان از ایران

۲- تضعیف و نابودی انقلاب اسلامی و جلوگیری از انتشار افکار انقلابی در میان مردم عراق و مسلمانان سایر کشورها

۳- رسیدن به رهبری جهان عرب و ایفای نقش ژاندارمی در منطقه

(تاریخ (۳)، جنگ تمیمی و دفاع مقدس، صفحه ۱۵۱)

۱۱۴- گزینه «۴»

(علی‌محمد کریمی)

دریادلان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در نخستین ماه‌های جنگ، با پشتیبانی نیروی هوایی در عملیاتی موسوم به «مروارید» با رشادت تمام، اسکله‌های عراق را منهدم و نیروی دریایی صدام را نابود کردند.

(تاریخ (۳)، جنگ تمیمی و دفاع مقدس، صفحه ۱۵۳)

۱۱۵- گزینه «۴»

(محمدپور میربلوکی)

پس از آن که بنی‌صدر از مقام فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عزل شد و اوضاع سیاسی کشور ثبات و آرامش یافت، رزمندگان اسلام با شجاعت و صلابت عزم خود را برای بیرون راندن دشمن متجاوز از خاک میهن‌مان جزم کردند. نخست، امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل قوا، فرمان شکستن محاصره آبادان را صادر کردند.

(تاریخ (۳)، جنگ تمیمی و دفاع مقدس، صفحه ۱۵۴)

۱۱۶- گزینه «۲»

(کنگور قارچ از کشور ا.ا.ک)

یکی از نشانه‌های وقوع احتمالی زمین‌لرزه، تغییر در آب‌های زیرزمینی است. در اثر فشار بر لایه‌های پوسته زمین، سطح آب زیرزمینی (چاه‌ها، چشمه‌ها و قنات‌ها) بالا یا پایین می‌رود یا ترکیب شیمیایی آن‌ها تغییر می‌یابد.

بررسی نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دستگاه‌های حساس لرزه‌نگار، کاهش لرزش‌های کوچک زمین را ثبت می‌کنند.

گزینه «۳»: در اثر فشار بر لایه‌های پوسته زمین، سطح آب چاه‌ها به‌طور نامنظم بالا و پایین می‌رود.

گزینه «۴»: پس از توقف لرزش‌ها، امکان تجمع انرژی بیشتر می‌شود و ممکن است در اثر تخلیه یکباره انرژی، زمین‌لرزه شدیدتری رخ دهد.

(یغرافیا (۳)، مخاطرات طبیعی، صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱)

۱۱۷- گزینه «۴»

(فاطمه سقایی)

در چند دهه اخیر، خسارت‌های ناشی از سیلاب‌هایی که در کشور ما به وقوع پیوسته، همواره رو به افزایش بوده است. دلیل اصلی آن نیز توسعه سکونتگاه‌ها و تغییر کاربری اراضی و ساخت‌وسازها در حریم سیل‌گیر رودخانه‌ها و فعالیت‌های نابخردانه انسانی، مانند از بین بردن پوشش گیاهی بوده است.

(یغرافیا (۳)، مخاطرات طبیعی، صفحه ۱۰۴)

۱۱۸- گزینه «۱»

(کنگور سراسری ۱۴۰۰)

در این شکل که انشعابات شبکه زهکشی به سوی یک کانال مصنوعی هدایت شده است، سرعت تخلیه روان آب افزایش یافته و به دنبال آن نفوذپذیری خاک و در نتیجه زمین‌لغزش کاهش پیدا می‌کند.

(یغرافیا (۳)، مخاطرات طبیعی، صفحه ۱۰۸)

۱۱۹- گزینه «۱»

(فاطمه سقایی)

استفاده از تصاویر ماهواره‌ای در مطالعه و پیش‌بینی مخاطرات طبیعی به‌طور روزافزون در حال گسترش است؛ مثلاً با استفاده از تصاویر ماهواره‌های منابع زمینی، می‌توان حدود سیل‌گیر رودخانه‌ها را تعیین کرد.

(یغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های یغرافیایی، صفحه ۱۱۳)

۱۲۰- گزینه «۲»

(زهرا رامیار)

با استفاده از سنسور از دور، جابه‌جایی مواد سطح دامنه‌ها و حرکت توده‌های زمین لغزش را به‌طور دقیق یعنی در حد سانتی‌متر، اندازه‌گیری می‌کنند.

(یغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های یغرافیایی، صفحه ۱۱۳)



تاریخ و جغرافیا (۲)

۱۲۱- گزینه «۲»

(زهره دامیار)

شبهات و تفاوت تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای:

شبهات: محتوا و موضوعات هر دو نوع منبع رویدادهای سیاسی و نظامی می‌باشد و توجهی به سایر موضوعات ندارند.

تفاوت: ۱- موضوعات و مطالب تاریخ‌های عمومی تاریخ جهان را از آفرینش عالم آغاز می‌کردند و تا پایان دوره ساسانیان ختم می‌کردند ولی موضوعات و مطالب تاریخ‌های سلسله‌ای مربوط به یک سلسله خاص می‌باشد.

۲- مورخان تواریخ سلسله‌ای شاید به انگیزه پادشاه گرفتن از شاهان، تاریخ سلسله آنان را تألیف می‌کردند ولی نویسندگان تواریخ عمومی این انگیزه را نداشتند.

۳- مؤلفان تواریخ عمومی کتب خود را بیشتر به زبان عربی می‌نوشتند؛ ولی مؤلفان تواریخ سلسله‌ای مطالب خود را به زبان فارسی می‌نوشتند.

۴- تواریخ سلسله‌ای به سبب استفاده از مآخذ و اسناد رسمی و روایت رجال و اشخاص مطلع، متضمن اطلاعات مفید و معلوماتی هستند که در مآخذ عمومی‌تر، دسترسی بدان‌ها ممکن نیست.

(تاریخ (۲)، تاریخ‌شناسی، صفحه‌های ۳ و ۶)

۱۲۲- گزینه «۳»

(زهره دامیار)

تشریح عبارت‌های نادرست:

(ب) روابط فاطمیان با حکومت عباسیان همواره خصومت‌آمیز بود. فاطمیان خلافت را حق خود می‌دانستند و حکومت عباسیان را به رسمیت نمی‌شناختند. علاوه بر آن، خلفای فاطمی با تسلط بر مناطق شام و حجاز، حکومت عباسیان را به شدت مورد تهدید قرار داده بودند.

(د) خلفای فاطمی بعد از بنیاد نهادن حکومت خود و تصرف مصر شهر قاهره را به عنوان پایتخت خود بنا کردند تا با بغداد رقابت کنند. آنان سپس منطقه شام را نیز گرفتند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۸)

۱۲۳- گزینه «۲»

(کنکور قاجار از کشور ۱۴۰۱)

ابونصر محمد بن محمد، معروف به فارابی، فیلسوف بزرگ ایرانی، که از خراسان به بغداد رفت و سپس در دمشق سکونت گزید، فلسفه مشائی را که تلفیقی از جهان‌بینی اسلام و فلسفه ارسطویی و نوافلاطونی بود، پایه‌گذاری کرد.

نکته: دانشنامه عالی، اثر ابن سینا، سهم بسزایی در مطرح کردن زبان فارسی به عنوان زبان علم داشت.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۷)

۱۲۴- گزینه «۲»

(زهره دامیار)

ترتیب زمانی رویدادهای سیاسی دوره صفویه:

- ۱- شکست از بکان و قتل شیبک‌خان
- ۲- نبرد با سلطان سلیم پادشاه عثمانی
- ۳- انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان
- ۴- بیرون راندن پرتغالی‌ها از خلیج فارس
- ۵- بازپس‌گیری قندهار از گورکانیان هند

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۱۳۵ تا ۱۴۲)

۱۲۵- گزینه «۱»

(پواد میربلوکی)

در اواخر قرون وسطا با گسترش فعالیت‌های تجاری در اروپا، انگیزه و اشتیاق اروپاییان برای رسیدن به شرق و دسترسی به ادویه و دیگر کالاهای گران‌بهای آن دیار دو چندان شد.

(تاریخ (۲)، اروپا در قرون وسطا و عصر جدید، صفحه ۱۸۱)

۱۲۶- گزینه «۴»

(علیرضا رضایی)

جغرافی دانان از گذشته سطح زمین را به واحدهای جغرافیایی که در آن‌ها پدیده‌ها با هم همگونی و وحدت دارند، تقسیم کرده و سپس آن‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این تقسیم‌بندی‌ها به منظور شناخت بهتر و آسان‌تر مکان‌های مختلف و علمی کردن مطالعات و تحقیقات درباره این مکان‌ها صورت می‌گیرد تا برنامه‌ریزی صحیحی برای آن‌ها انجام شود.

(جغرافیا (۲)، نامه هیست، صفحه ۴)

۱۲۷- گزینه «۴»

(کنکور سراسری ۹۹)

در ناحیه استوایی (حاره) کانون کم‌فشار قرار دارد و این کانون تا حدود مدارات ۳۰ درجه شمالی و جنوبی امتداد دارد. در این منطقه، هوای گرم به سمت بالا صعود می‌کند و با بالا رفتن سرد می‌شود و رطوبت خود را به صورت باران فرو می‌ریزد.

در اطراف مدار رأس‌السرطان و رأس‌الجدی، منطقه پرفشار جنب حاره شکل گرفته است.

جابه‌جایی توده‌های هوا بین کمربندهای فشار، موجب وزش بادهای مختلف در سطح کره زمین می‌شود.

(جغرافیا (۲)، نواهی طبیعی، صفحه ۲۶)



۱۲۸- گزینه ۳»

(زهر ارمایر)

مزارع غله تجاری معمولاً بسیار بزرگ‌اند و کاشت و برداشت محصول در آن‌ها به صورت ماشینی انجام می‌شود. در این نوع کشاورزی، معمولاً در کنار مزارع، کارخانه‌هایی برای تبدیل، بسته‌بندی و توزیع محصولات در بازارهای مصرف پدید می‌آید که در اصطلاح به آن‌ها کشت و صنعت می‌گویند.

(بغرافیا (۲)، نواهی انسانی، صفحه ۸۷)

۱۲۹- گزینه ۴»

(فاطمه سقایی)

اگر ارزش صادرات یک کشور بیشتر از واردات آن باشد، موازنه تجاری، مثبت است. از جمله اقداماتی که کشورها برای کاهش تأثیرات منفی تجارت خارجی بر صنایع و اقتصاد خود انجام می‌دهند تا به رونق و توسعه اقتصادی دست یابند، وضع تعرفه‌های گمرکی و مالیات بر کالاهای وارداتی، تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی-تجاری منطقه‌ای، محدود یا ممنوع کردن واردات برخی کالاها در دوره‌های زمانی خاص و ایجاد مناطق آزاد تجاری است.

(بغرافیا (۲)، نواهی انسانی، صفحه ۱۰۸)

۱۳۰- گزینه ۱»

(کنکور قارج از کشور ۱۳۰۱)

الف) اگر کشورهای کوچک درصدد توسعه سرزمین خود برنیابند، نابودی آن‌ها حتمی است: راتزل
ب) فضاهای اقیانوسی در شکل‌گیری قدرت جهانی و همچنین محاصره قدرت خشکی مؤثر است: آلفرد ماهان
ج) قرارگیری یک کشور در مجاورت یک دولت قوی یا ضعیف، بر سیاست و قدرت آن تأثیر می‌گذارد: راتزل
د) منطقه خشکی اوراسیا، قلعه (دژ) جهان است و این منطقه برای قدرت‌های دریایی، غیرقابل دسترس است: سر هلفورد مکیندر

(بغرافیا (۲)، نواهی سیاسی، صفحه‌های ۱۳۳ تا ۱۳۵)

فلسفه دوازدهم

۱۳۱- گزینه ۱»

(کتاب آبر)

سفر اول، سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲» در سفر سوم سالک به سوی خلق باز می‌گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می‌یابد؛ هدایت مردم در سفر چهارم انجام می‌گیرد.

گزینه ۳» کتاب اسفار با الهام از سفر چهار مرحله‌ای عارفان تألیف شده است.

گزینه ۴» مباحث مربوط به صفات الهی و توحید در بخش دوم اما مباحث مربوط به افعال خداوند در بخش سوم مطرح شده است.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۳۲- گزینه ۲»

(سیا بغفرزاده صابری)

فلسفه‌ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب فلسفی گذشته، یعنی «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته و از این الفت، فلسفه‌ای برآمد که سرآمد فلسفه‌های قبل از خود شد.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۹۱)

۱۳۳- گزینه ۳»

(سیا بغفرزاده صابری)

از دو مفهوم وجود و ماهیت، «وجود» است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، مابزاء و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. آنچه ما در خارج می‌یابیم، از آسمان و درخت و آب تا حیوان و انسان، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. دقت کنید که منظور از اصالت وجود این نیست که ماهیت امری ساختگی است و هیچ اثر خارجی ندارد بلکه گفته می‌شود مصداق بیرونی نشانگر وجود است یعنی واقعیت حقیقی متعلق به وجود است، نه ماهیت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» ماهیت غیرواقعی و ساختگی نیست.

گزینه ۲» وجود و ماهیت دو مفهوم جداگانه و مستقل و دو جنبه مختلف از یک موجود هستند نه این که فهم ماهیت منوط به فهم وجود باشد.

گزینه ۴» هرچند وجود حقیقت مشترک بین موجودات است اما براساس نظر ملاصدرا درجات وجودی موجودات متفاوت است و آن‌ها شدت وجودی یکسانی ندارند.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۹۲)

۱۳۴- گزینه ۳»

(نیمای بواهری)

اصل «وحدت حقیقت وجود» در فلسفه ملاصدرا بیان می‌کند که هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی می‌باشد و در جهان وحدتی حقیقی برقرار است. ما در تاریخ اندیشه نظریات گوناگونی دال بر وحدت وجود داشته‌ایم که شما باید نظر خاص ملاصدرا و محتوای آن را به دقت یاد بگیرید و آن را با تفاسیر و تبیین‌های متفاوت دیگر از وحدت وجود اشتباه نگیرید. محتوای سخن ملاصدرا در این اصل این است که ما چند نوع وجود نداریم، یک نوع وجود داریم. به اصطلاح فلسفی می‌گوییم وجود حقیقتی واحد است. پس فرقی بین نوع وجود انسان، درخت، سنگ، فرشته و ... وجود ندارد. تفاوت فقط در مرتبه و شدت و ضعف وجود است، وگرنه نوعاً وجود یکی است. گزینه سوم به روشنی چنین تبیینی را بیان می‌کند. او می‌گوید هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی می‌باشد و آنچه از کثرت، در جهان مشاهده می‌کنیم، دلیل بر وجودهای مختلف و متکثر نیست؛ بلکه معنای دیگری دارد.



بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این نظر قائل به وجودهای جزئی نیست و می‌گوید کل مجموعه اشیاء با هم یک وجود واحد می‌سازد. این نظر در تاریخ به «همه‌خدایی» معروف است. اما ملاصدرا وجودهایی جزئی را رد نمی‌کند و وجود از نظرش نوعاً واحد است، نه عدداً.

گزینه «۲»: این گزینه اصل «اشتراک مفهوم وجود» را بیان می‌کند. ملاصدرا در اصل «وحدت حقیقت وجود» درباره حقیقت وجود در جهان خارج و اینکه یک نوع بیشتر وجود نداریم صحبت می‌کند. این اصل که مربوط به فیلسوفان مشائی است، مربوط به «مفهوم وجود» است و بیان می‌کند که وجود مفهوم مشترکی است که از همه موجودات فهمیده شده و به ذهن آورده می‌شود. این اصل از مقدمات بحث ملاصدرا است، نه نتیجه نهایی و معنا و تفسیر آن. پیش نیاز اصل فلسفی «وحدت حقیقت وجود» پذیرفتن «اشتراک مفهوم وجود» است. ما پس از اینکه پذیرفتیم «وجود» مفهوم مشترکی است که از هر موجودی فهمیده می‌شود و به ذهن می‌آید و سپس با فهم اینکه واقعیت خارجی مابهازای مفهوم وجود است و وجود همان امر اصیل است، به این نتیجه می‌رسیم که وجودهای مختلف و انواع و اقسام گوناگون وجود در عالم نداریم و در جهان وحدتی حقیقی حاکم است و اصل و حقیقت هر شیء یکی است.

گزینه «۴»: این نظریه‌ای است که در عرفان اسلامی بسیار رواج داشته است. طبق آن فقط خداوند وجود حقیقی دارد و او واحد و موجود بالذات است و همه امور دیگر صرفاً تجلیات و ظهورهای آن در شکل‌ها و کالبدهای گوناگون‌اند.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه‌های ۹۴ و ۹۵)

۱۳۵- گزینه «۴»

(نیما بواهری)

اصل مراتب داشتن وجود تبیین دقیق تعدد و تکثر در عالم است. از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. بنابراین حقیقت و نوع وجود یکی است و واحد است. اما وجود هر موجودی در مرتبه‌ای متفاوت است و اختلاف موجودات در مرتبه وجودی آن‌ها یا شدت و ضعف وجودشان است. دقت کنید که این تفاوت به نوع وجود آن‌ها ربطی ندارد بلکه این درجه و مراتب مختلف وجود است که باعث تفاوت می‌شود.

(فلسفه دوازدهم، دوران متأخر، صفحه ۹۵)

۱۳۶- گزینه «۳»

(علیرضا نصیری)

پس از انقراض سلسله صفویه و نابسامانی‌هایی که ایران را فراگرفت، علوم مختلف و فلسفه به رکود کشیده شد. در این دوران فلسفه شادابی خود را از دست داد و پیشرفت عمده‌ای حاصل نشد و مکتب فلسفی جدیدی پس از

حکمت متعالیه عرضه نشد. فلسفه‌های جدید اروپایی پس از ورود به ایران باعث برانگیخته شدن توجه علاقه‌مندان شدند. آنان تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخایر غنی فلسفی خود، فلسفه‌های اروپایی را بفهمند و آن را ارزیابی کنند. همین تلاش باعث شد فلسفه که دیرزمانی بود به رکود گراییده بود احیا شود و رونق جدید یابد و دوستداران فلسفه با اندیشه‌های متفکرانی چون فارابی و ابن سینا و ... آشنا شوند.

(فلسفه دوازدهم، کلمات معاصر، صفحه ۹۸)

۱۳۷- گزینه «۴»

(نیما بواهری)

گزینه «۴» مربوط به دسته‌ای از اقدامات ایشان با عنوان «احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم» است. اما سایر گزینه‌ها مربوط به اقدامات ایشان در راستای «تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی» می‌باشد. ایشان علاوه بر تدریس شفای ابن سینا و اسفار ملاصدرا، تصمیم گرفت یک دوره فلسفه اسلامی را به سبکی که مسائل روز در آن طرح شده باشد، تدریس و تألیف کند. به همین منظور کلاسی تشکیل داد که طلاب برجسته و آشنا به مسائل در آن شرکت می‌کردند. در این کلاس مکتب‌های فلسفی و به خصوص مارکسیسم مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت. حاصل این جلسات، کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» می‌باشد که شامل متن اصلی و پاورقی‌های توضیحی است. متن را علامه طباطبایی نوشته و پاورقی‌ها را استاد شهید مطهری که در آن جلسات حضور داشته، به اصل مباحث افزوده است. این کتاب در روشن کردن افکار طلاب و دانشجویان و دانش‌پژوهان نقشی تعیین‌کننده در تاریخ معاصر ایران داشته است. علامه طباطبایی و مطهری در این کتاب نشان دادند که می‌توان از ذخیره فلسفی صدرایی بهره گرفت و متناسب با مهم‌ترین مسئله‌های فلسفی روز، مجموعه‌ای تألیف کرد که پاسخگوی نیازهای ما در همین عصر باشد. ویژگی دیگر این کتاب که تا آن روز در حوزه فلسفه در ایران سابقه نداشت، نگاه تطبیقی به فلسفه بود، علامه و استاد مطهری در این کتاب تلاش می‌کنند که در مباحث مهمی مثل معرفت‌شناسی و وجودشناسی، دیدگاه‌های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست‌ها را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند. این روش تألیف، در برخی از آثار استاد مطهری نیز ادامه پیدا کرد.

(فلسفه دوازدهم، کلمات معاصر، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵)

۱۳۸- گزینه «۱»

(مسین آفوندری راهنماچی)

علامه طباطبایی عرفان و اخلاق و حتی تفسیر قرآن را از میرزا علی آقا قاضی تلمذ و شاگردی کرد.

(فلسفه دوازدهم، کلمات معاصر، صفحه‌های ۹۹ تا ۱۰۶)



۱۳۹- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

فعالیت‌های علمی علامه طباطبایی از حدود حوزه‌ها فراتر رفت و گستره آن به دانشگاه‌ها و حتی محیط‌های فرهنگی جهانی کشیده شد. علامه دیدارهای متعددی با پژوهشگران و خاورشناسان داشت. او در آن گفت‌وگوها به شناساندن روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع می‌پرداخت و به برکت همین فعالیت‌ها جهان غرب با تفکر شیعی آشنایی بیشتری پیدا کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: روش تفسیری علامه در میزان، روش تفسیر قرآن به قرآن است که البته ابداع ایشان نیست و از استادشان، سید علی قاضی آموخته‌اند. گزینه «۲»: کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» ماحصل جلسات ایشان بود که در آن فلسفه اسلامی به گونه‌ای مطرح می‌شد که در آن به مسائل روز پرداخته شود و مکاتب مختلف غربی خصوصاً مارکسیسم و ماتریالیسم دیالکتیکی مورد نقد و بررسی قرار بگیرند. گزینه «۳»: کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» نگاه تطبیقی به فلسفه دارد و نه کتاب «نهایة الحکمة».

(فلسفه دوازدهم، کلمات معاصر، صفحه‌های ۱۰۳ تا ۱۰۶)

۱۴۰- گزینه «۴»

(سبا پعفرزاده صابری)

الف) دسته سوم: برخی از افراد در انتخاب ریشه درخت و پایه نظام فکری خود دچار خطا و اشتباه می‌شوند و در نتیجه به یک سبک زندگی معیوب و ناسالم می‌رسند.

ب) دسته اول: این دسته اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند و تصمیم‌گیری آن‌ها تابع جو حاکم بر جامعه است.

ج) دسته چهارم: افرادی که هم ریشه درخت فکری را به درستی انتخاب کرده‌اند و هم با دقت و تأمل فراوان و با عقلانیت بالا، شاخ و برگ‌های سالم و قوی از آن ریشه استنباط و استخراج کرده‌اند.

د) دسته دوم: کسانی که نتوانسته‌اند میان افکار فلسفی و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند.

(فلسفه دوازدهم، کلمات معاصر، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

فلسفه یازدهم

۱۴۱- گزینه «۴»

(نیمیا پواهری)

پرسش طرح شده در گزینه «۴» مربوط به قدرت سیاسی و نحوه توزیع قدرت سیاسی در جامعه است، نه پرسشی مربوط به خود ماهیت، ساختار و سازوکارهای جامعه. بنابراین در حیطه فلسفه سیاست طرح می‌شود، نه در حیطه فلسفه علوم اجتماعی.

در سایر گزینه‌ها حیطه پرسش به درستی مشخص شده است.

(فلسفه یازدهم، ریشه و شاخه‌های فلسفه، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۱۴۲- گزینه «۱»

(نیمیا پواهری)

در بخش «رهایی از عادات غیرمنطقی» می‌خوانیم: «در بسیاری از مواقع، افراد یک جامعه افکار و عقایدی را می‌پذیرند که پشتوانه عقلی و منطقی محکمی ندارند، بلکه بر اثر مرور زمان و یا انتقال از نسلی به نسل بعد، به صورت یک عادت درآمدہ است و اکثر افراد جامعه، بدون دلیل آن‌ها را پذیرفته‌اند. افراد متفکر و اندیشمند این جوامع، این قبیل افکار را مورد نقد و ارزیابی قرار می‌دهند و اگر منطبق با عقل و استدلال نبود، آن‌ها را نمی‌پذیرند و تلاش می‌کنند سایر مردم را نیز به باطل بودن آن افکار آگاه کنند.»

در بخش «دوری از مغالطه‌ها» می‌خوانیم: «فیلسوفان می‌کوشند با کاستن از مغالطه‌ها، فهم درستی از حقایق، چه در عالم هستی و چه در مسائل بنیادی زندگی، ارائه دهند و آن را با گفتار مناسبی که خالی از مغالطه باشد، بیان کنند. آن‌ها همچنین می‌کوشند نمونه‌هایی از مغالطه‌های فلسفی را جهت عبرت‌گرفتن دیگران، نشان دهند؛ چرا که برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند، در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است، پذیرفته و براساس آن تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.»

(فلسفه یازدهم، فلسفه و زندگی، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۴۳- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)

دومین اندیشه مشهور هراکلیتوس تغییر و تحول دائمی جهان است. او می‌گفت «همه چیز در سیلان و حرکت است.» هیچ چیز ثابتی در این جهان وجود ندارد. دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است، بر همه چیز فرمان می‌راند و نمی‌توان از آن گریخت.

(فلسفه یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۱۴۴- گزینه «۱»

(فرهاد قاسمی نژاد)

سقراط خطاب به حاضران در دادگاه گفت: «کسی که راه درست را یافت و آن را در پیش گرفت هرگز نباید از خطر هراسی به دل راه دهد.»

(فلسفه یازدهم، زندگی براساس اندیشه، صفحه ۴۱)

۱۴۵- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی نژاد)

«گرگیاس» یکی از سوفیست‌ها بود. او که در فن سخنوری بسیار توانا بود، می‌گوید: «اولاً چیزی وجود ندارد. ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد. ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.» پس او ابتدا قبل از هر چیز منکر اصل واقعیت شد.

(فلسفه یازدهم، امکان شناخت، صفحه ۳۷)

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: روح، براساس این مکتب، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است. از نظر ملاصدرا، روح و بدن دو چیز مجزا نیستند که کنار هم قرار گرفته باشند و حتی ضمیمه یکدیگر نیز نشده‌اند.

گزینه «۳»: ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می‌تواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات، دست یابد.

گزینه «۴»: ملاصدرا قائل به این است که آدمی اختیار و آزادی دارد و هویت انسان را به این دلیل نامتعیین می‌داند که انسان با اراده و انتخاب تعیین می‌کند که چه هویتی به خود بگیرد؛ شجاع باشد یا ترسو، بخشنده باشد یا بخیل.

(فلسفه یازدهم، پیوستی انسان (۲)، صفحه‌های ۸۱ و ۸۲)

۱۵۰- گزینه «۳»

(سبا معجززاده صابری)

فلاسفه مسلمان نیز عقل را منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها می‌دانند و این عقل را، از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می‌دهد، «عقل عملی» می‌نامند. فلاسفه مسلمان می‌گویند بشر به فضیلت‌ها ذاتاً و فطرتاً علاقه‌مند است.

(فلسفه یازدهم، انسان موهوب افلاک‌گرا، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

۱۴۶- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

از عبارت صورت سؤال می‌توان برداشت کرد که همه انسان‌ها استعداد تعقل را دارند؛ البته این توانایی ممکن است در برخی بیشتر یا کمتر باشد؛ اما در همگان موجود است. عقل نیرویی ذاتی و بالقوه و ابزاری جهت تفکر می‌باشد (رد گزینه ۲). البته شکوفا شدن این استعداد به تمرین و تربیت وابسته است (رد گزینه ۳) و اگر این تمرین موجود نباشد، ممکن است فردی قادر به تعقل نباشد (رد گزینه ۴). بنابراین عقل در همه افراد (مثلاً کودکان) بالفعل نیست. تبدیل شدن این ابزار از قوه به فعل نیازمند تمرین و تربیت است. میزان بالفعل شدن عقل در همه انسان‌ها یکسان نیست و انسان‌ها از درجات دانش گوناگونی برخوردار هستند. در نتیجه گزینه «۱» با جمله ذکر شده در تعارض است.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۱۴۷- گزینه «۴»

(مسین آفونری راهنمایی)

افلاطون باور داشت که عقل می‌تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. از نظر او عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است؛ پس از نظر افلاطون عالم مُثُل با عقل درک می‌شود نه شهود حسی.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۱۴۸- گزینه «۲»

(مسین آفونری راهنمایی)

از نظر دکارت روح از قوانین فیزیکی آزاد است؛ ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست. مارکس انسان را فقط یک موجود مادی می‌دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند.

(فلسفه یازدهم، پیوستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۴۹- گزینه «۱»

(سبا معجززاده صابری)

از منظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می‌توانند به آن برسند.